

خدا خالق تکنولوژی ہا

(زندگی را طور دیگر بینید)

تالیف: حمید رضا ایچانی پور

خدا، خالق تکنولوژی ها

مقدمه

به معجزات خدا نگاه می کنیم ولی انگار متوجه نمی شویم این ها را خدا ساخته و با علم ناچیز ما تطبیق داده تا برای ما تا حدودی قابل درک و فهم شود. پیشرفت علم بشر همان معجزات خداوند است که پله پله به ما می آموزد تا در رفاه زندگی کنیم و از زندگی لذت ببریم. اگر خداوند نخواهد، تلفن - ماشین - اینترنت - هواپیما - برق - گاز و وجود نخواهند داشت. اگر معجزه خدا نبود این گوشی های همراه ما اسباب بازی بیش نبود. چگونه می شد با تمام نقاط دور و نزدیک جهان ارتباط برقرار کرد؟ اینترنت، قدرت خدا را به ما یادآور می شود. چطور می شود شخصی در اتاق خودش، یک تصویر را به اشتراک میلیاردها انسان در سراسر جهان بگذارد؟ این تصویر چطور وارد گوشی های انسان های دیگر در دوردست ها می شود؟ چگونه؟ از طریق هوا؟ از زیرزمین؟ چطور می رود؟ خوب اندیشه کنید تا منظورم را بفهمید. این ها معجزات خدا هستند. مثلاً چگونه می شود با کسی که هزاران کیلومتر از ما دورتر است حرف بزنیم؟ (تلفن) ما چون به این تکنولوژی ها عادت داریم و همیشگی هستند متأسفانه آن ها را پیش پا افتاده تلقی می کنیم. در صورتی که معجزه ای بسیار بزرگ و پیچیده و حیرت آور است. چگونه می شود این صدا فقط به مخاطب مورد نظر ما برسد. عیناً صدای ما در مغناطیس هوا با سرعت نور به مخاطب ما می رسد، بدون تداخل با میلیاردها صدای دیگر! جز معجزه خدا مگر می شود دلیل قاطع علمی برایش

آورد؟ تفکر کنید، تفکر، تفکر، تفکر. مطمئن باشید به درک اسرار سحرآمیز عالم خواهید رسید.

اگر مثلاً یینا شدن نایینا توسط مسیح مقدس یا شکاف رود نیل توسط موسی یا زنده شدن اصحاب کهف بعد از ۳۰۰ سال و ... معجزات قدیم خداوند بودند، تکنولوژی های امروز معجزات جدید خدا هستند، شک نکنید. ما در دنیایی زندگی می کنیم که خیلی از اتفاقات اطرافمان را عادی و پیش پا افتاده می بینیم، در صورتی که اگر تفکر کنیم و از خرد خود که خدا به ما اعطا کرده استفاده کنیم مطمئن باشید که وجود یک مدیر قدرت مند و بسیار منظم را در پس همه اتفاقات عالم درک می کنیم. اگر ما را به ۳۰۰ سال قبل برگردانند و به مردم آن زمان بگوییم که:

وسیله ای هست که ده ها نفر می توانند بر آن سوار شوند و در آسمان حرکت کنند، بدون اینکه جاذبه بتواند جلوی این کار خارق العاده را بگیرد.

یا مثلاً چیزی هست که بدون وقفه می سوزد و هیچ نیازی هم به چوب نیست! این مورد عجیب از زیر اقیانوس ها می آید و به ما می رسد.

یا وسیله ای هست که با زدن یک دکمه تمام خانه را روشن می کند، بدون نیاز به آتش برای روشنایی!

و چیزی هست که می توانید به وسیله آن با شخصی که هزاران کیلومتر دورتر است حرف بزنید!

یا چیزی هست که با آن می توانید با تمام دنیا مکاتبه کنید و دیگر هیچ نیازی به اسب پر سرعت نیست! آسوده در خانه بنشینید و با هر کسی که دوست دارید مکاتبه کنید!

یا وسیله ای هست که مثل یک ذهن فوق بشری همه چیز را ثبت، تجزیه، تحلیل و برنامه ریزی می کند که تمام کارهای عالم را می توان با آن انجام داد! قدرت خیلی از کارها را دارد و از انسان دستور می گیرد! مگر غول چراغ جادوست؟! مگر یک فرشته ماورائی است؟

وجداناً، انصافاً خودتان قضاوت کنید؛ اگر ما به ۳۰۰ سال قبل برگردیم و در مورد این ها و هزاران تکنولوژی دیگر (که توضیح دادن همه آن در حوصله این کتاب نیست) به آن ها بگوییم، فکر می کنند یا جنون داریم یا شاید پیامبر خدا هستیم و قدرت کارهای ماورائی و فوق بشری را داریم.

ما نباید از این تکنولوژی ها، آسان عبور کنیم و آن ها را ساده بیندازیم چون واقعاً یک سری معجزه عجیب و حیرت آور هستند. تمام جهان و هرچه که در آن هست، همگی وجود خداوند را نشان می دهند؛ یا به قول شاعر ایرانی: همه جا رخ یار عیان است (می توان دید). چون خدا هست همه چیز سر جای خودش هست، وگرنه مگر می شود به طور مثال این همه سیاره و ستاره و خورشید و ماه و ... عظیم و غول پیکر در آسمان باشند بدون سقوط کردن از آن بالا؟

چرا در بعضی جاها جاذبه هست و در بعضی جاها نیست؟ اصلاً جاذبه چیست؟ چه شکلی است؟ آن را نمی توانیم بینیم ولی صددرصد وجود دارد. چه کسی قدرت این کار را دارد؟ چه کسی بر این مسئله مدیریت کرده و هزاران مسئله دیگر؟ اگر ماهواره هایی در آسمان باشند، این علم خداوند است که راه و روشش را از طریق الهامات نامرئی و مغز ناخودآگاه به انسان ها که مخلوقاتش هستند، داده است. انسان نباید هرگز فکر کند چیزی تمام و کمال مخصوص خودش

است و قدرت و علم خداوند را در آن نادیده بگیرد، که اگر این گونه باشد سخت در اشتباه است.

زیرا علم از آن خداست و شرایط آن را فراهم و به مغز انسان الهام نموده است.

من در این کتاب زیاد وارد جزئیات عالم نمی شوم، چون تمام کائنات عالم از انسان گرفته تا

دیگر موجودات و فضا و دریا و ... در همه چیز علمی بسیار حیرت آور وجود دارد که غیرممکن

است کسی جز خداوند توانایی ساخت و مدیریت این عالم پیچیده را داشته باشد. اگر بخواهیم

همه چیز را در مورد علوم و کلاً کائنات عالم توضیح دهیم اگر تمام اقیانوس ها را جوهر و تمام

درختان را قلم کنیم و صد سال هم وقت داشته باشیم تا همه را بنویسیم و کامل شرح دهیم باز هم

نمی توانیم تمام جزئیات اسرارآمیز عالم را توضیح دهیم.

این مدیر فوق بشری کیست که هم زمان همه چیز را کنترل می کند؟ جز یک علم و قدرت

ماورائی به نام خدا. درک و فهم وجود خدای بزرگ تنها دلیل وجود داشتن این همه عجایب در

عالم هستی است. علم، قدرت آن را ندارد که راز تمام هستی را توضیح دهد و توضیح آن را به

یک قدرت فوق بشری و استثنائی محول می کند. بسیاری از دانشمندان بزرگ در هر شاخه علمی،

همگی به خدا اعتقاد قلبی دارند زیرا درک می کنند این همه معجزه عجیب را فقط خداوند می -

تواند به وجود آورد و مدیریت کند و غیر از او هیچ کس قدرت این کار را ندارد

ما با تمام علممان شاید بتوانیم حدود ۵٪ از اتفاقات عالم را توضیح دهیم که البته آن هم معجزه

خداوند است که به ما منتقل کرده و تا حدود مشخصی با علم ما تطبیق داده است، تا به همان

میزان قدرت درکش را داشته باشیم. ولیکن بیشتر عالم هستی غیرقابل توضیح علمی است و تنها

چیزی که می تواند آن را توضیح دهد فقط و فقط و فقط وجود خدایی بسیار دانا و توانا به همه چیز است.

خداوند حاکم آسمان ها و زمین و تمام هستی و هرچه که در آن هست می باشد. حاکم و مدیری بسیار فهمیده و قدرت مند و فوق بشری و ماورائی نه مثل حاکمان و مدیران زمین. در حکومت خدا اندازه سرسوزنی اشتباه وجود ندارد. حاکمی بسیار مهربان و دلسوز و باگذشت. حاکمی که بنده هایش را بسیار دوست دارد و اگر در جهان ظلم و خونریزی و ستمی هست، دلیل آن غرور و طمع و ثروت است. بدانید که بسیاری از امور جهان، نامرئی است و ما توان دیدن آن را نداریم.

می خواهیم، کوتاه و مختصر بعضی از تکنولوژی های جهان را شرح دهم. چون توضیح کامل و جزئیات این تکنولوژی ها بسیار بسیار طولانی و خسته کننده می شود که در حوصله این کتاب نیست. چون ما قصد توضیح وجود خدا را در همه زمینه ها داریم، در اینجا فقط به صورت کلی، چند تکنولوژی بزرگ شرح داده می شوند تا برای خواننده عزیز که به دنبال حقیقت است خسته کننده نباشد.

یکتاپرستی و انسانیت دستور تمام ادیان جهان است. به این دلیل خداوند یکتاپرستی را امر نموده است که کسی که واقعاً به خدا ایمان قلبی داشته باشد و عشق خدا در قلبش باشد هرگز نمی تواند ظلم کند، فساد کند، چاپلوسی کند، مردم آزاری کند. عشق واقعی و قلبی انسان به خداوند باعث مهربانی و گذشت و انسانیت و پاکی می شود و در واقع عشق خدا باعث تسخیر روح و قلب ها می شود و قلب و روحی که آمیخته با عشق خدا باشد موجب خیر برای خود انسان و برای دیگران

می شود. دلیل دوم یکتاپرستی ما این است که واقعاً ظلم است که انسان خداوند را با این همه عظمت و قدرت و شکوه و شوکت فراموش کند و دل به انسان های ضعیف و نیازمند ببندد و سعادت خود را در آن ها جستجو کند. خدا خالق همه چیز است و این بی معرفتی است که از آفرینش با شکوه خداوند فاغل شد.

همیشه در قلب باید سپاس گذار خداوند باشیم و از او و عظمت بی حد و اندازه اش سخن بگوییم، فراوان هم بگوییم و بدانید که تعریف و تمجید و سپاس فراوان و بی کران فقط مخصوص خداوند است و نه هیچکس دیگر. پس توجه کنید که در یکتاپرستی قلبی و واقعی و صحیح، دریایی از خیر نهفته است. اگر انسان قلب خود را عاشقانه به عشق خدا روشن کند هیچ گاه نمی تواند ستم کند، هیچ گاه نمی تواند دیگران را به زور به دین خود بیاورد. خیلی ها از خداپرستی فقط اسمشان خداپرست شده درحالی که قلباً خداپرست نیستند و آن ها خطرناکند، چرا که با دانش اندک و جهل با ظلم و ستم باعث دوری انسان ها از دین می شوند. روشن کردن قلب به عشق خدا با کمک به دیگران، رفع نیاز دیگران، بی تفاوت نبودن نسبت به مشکلات دیگران و گذشت و انسانیت به وجود می آید. کسانی که به اسم دین ظلم و ستم و سرکوب و بی حرمتی و مردم آزاری و زورگویی می کنند منفورترین انسان ها نزد خداوند و مردم می باشند و آن ها یکتاپرست واقعی نیستند و درواقع شیطان پرستند، در جلد انسان مؤمن! انسانی که قلبش را به عشق خدا جلا می دهد هرگز نمی تواند بد باشد و حقوق و اعتقادات دیگران برایش بی ارزش باشد و به آن ها ظلم کند. خدای مهربان فقط از بندگانش یکتاپرستی و انسانیت خواسته و هرکس غیر از این دو را به اسم

دین انجام دهد یکتاپرست نیست و شاید است و نظر کرده شیطان است و باید از او دوری کرد. کسانی که در دین خود افراط می کنند و تعصب کورکورانه دارند، آن‌ها هم در بی خردی خود غوطه ور هستند. هیچکس نباید دین پرست باشد بلکه باید خداپرست باشد و در دین خود زیاده روی نکند. یکتاپرستی و انسانیت فراتر از دین و مذهب است و دین در مکان دوم بعد از یکتاپرستی و انسانیت جای دارد و هر دینی برای خود و پیروانش مهم و قابل احترام است و هر کس دین دیگری را به تمسخر بگیرد کاری بسیار زشت و به دور از شعور انجام داده است. به هر صورت دین، پاره ای از جزئیات است که در ادیان مختلف شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد ولی اصل و نتیجه آن اگر درست انجام شود رسیدن به خدا و انسانیت است حال چه با دین، چه بی دین. هر کس دوست دارد می تواند دین خود را خودش انتخاب کند. هیچکس جز خدای بزرگ و قدرت‌مند نمی تواند جهانی با این همه پیچیدگی را کنترل و مدیریت کند. اگر در تمام کائنات عالم تفکر کنید جز خدا کسی قدرت و توان این کار را دارد؟ کائنات عالم همه زنجیروار به هم وابسته اند، ولی ما قدرت فهمیدن این وابستگی را نداریم. یعنی مغز انسان آن قدر کشش ندارد که توان درک بعضی چیزها را داشته باشد. خدا دوست دارد بندگانش در راحتی و امنیت و آرامش زندگی کنند و لوازم راحتی را نیز در اختیار بشر قرار داده است، مثل تمام این تکنولوژی‌ها. خدا دوست دارد همه بندگانش از او سپاس‌گذار و نسبت به همدیگر مهربان باشند، ولی متأسفانه انسان‌های کثر رفتار و کثر پندار باعث جنگ و خونریزی و بدبختی در جهان شده اند. به خاطر

قدرت و ثروت و این‌ها که باعث برهم زدن جهان می‌شوند در نزد خدا منفورترین انسان‌ها هستند. به خصوص اگر به اسم دین این اعمال زشت را انجام دهند.

حکومت‌هایی که به اسم دین به مردم ظلم می‌کنند منفورترین انسان‌ها در نزد پروردگار و دیگر مردمند. یکتاپرستی یعنی محبت به همه، صبور بودن، باگذشت بودن، بی تفاوت بودن نسبت به مشکلات دیگران، احترام به حقوق و عقاید دیگران. اگر کسی با تحریف و تفسیر اشتباه خود باعث ظلم و ستم به مردم شود مشکل در فهم و شعور آنهاست نه در دین. در تمام ادیان جزئیات کمی متفاوت و شباهت‌های زیادی وجود دارد. نتیجه ادیان باید یکتاپرستی و انسانیت باشد.

هر کسی به دین خودش. عیسی به دینش موسی به دینش.

متأسفانه در طول این هزاران سال در کتاب مقدس بعضی از ادیان توسط افراطیون طول تاریخ، تحریفات و تفسیرات بسیاری به وجود آمده است که باعث دین زدگی برای دیگران شده است. جزئیات هزاران سال پیش با شرایط امروز بسیار متفاوت است و هیچ عقل سلیم و آگاهی نباید بگوید چون هزاران سال پیش در فلان آیه فلان کتاب این‌گونه آمده است باید الان هم همان باشد. چون بین زمان‌ها فاصله زیادی افتاده. ولی کلیت تمام ادیان یعنی خدایپرستی و انسانیت و نیک بودن و مبارزه با ظلم که همیشه پابرجاست و این کلیات مهم هستند نه همه جزئیاتی که در حال و هوای هزاران سال پیش اتفاق افتاده اند. ولی در روزگار الان در نظر کلی، یکتاپرستی و انسانیت مهم می‌باشند. باید از کتاب‌های مقدس نتیجه اخلاقی و درست گرفت نتیجه‌ای که باعث نیک بودن باشد.

تفکرات خطرناک انسان های ناآگاه و متعصب را نباید به حساب دین آن ها گذاشت.

هرکس از ظالم حمایت کند از همه انسان ها پست تر است. برخی عالم نماهای از نزد خود، تفسیر عجیب و ظالمانه از بعضی کتب در می آورند. به هر صورت هر کسی به اسم دین به دیگران ظلم و ستم کند پست ترین است در روی زمین. اعمال ظالمان به ذهن بیمار خودشان ربط دارد نه دین خاصی و باید این مطلب را گفت که فقط ۵٪ عالم هستی بی کران برای ما قابل رؤیت است و ما اساساً از ۹۵٪ عالم هیچ نمی دانیم. ولی در همین ۵٪ حضور خداوند برای کسانی که حقیقت را دوست دارند کاملاً عیان است. باز هم باید تأکید کرد که علم اصلی نزد خداست که آن را به صورت غیرقابل توضیحی در ذهن ناخودآگاه انسان به وجود می آورد و انسان پله پله و با کمک همان علم خداوند که در فکرش قرار داده تکنولوژی را به وجود می آورد. حتی بسیار بودند افرادی که در خواب معمای بسیاری از مسئله های پیچیده را آموخته اند. برای مثال انیشتین نظریه نسبیت را پس از یک رؤیای زنده کشف کرد. او در خواب خود را سوار بر سورتمه ای دید که از شیب یک کوه به سرعت پایین می آید، سرعت او آنقدر افزایش می یابد که به سرعت نور تبدیل می شود تا جایی که رنگ ستاره ها را منقلب می بیند. انیشتین از خواب بیدار شد و درباره نظریه معروف خود تعقل و پژوهش کرد. کتاب رؤیاهای انیشتین اثر آلن لایتمن درباره این بعد زندگی و الهامات انیشتین بیشتر مثال و توضیح آورده است. خدا علم را چه در بیداری و چه در خواب و رؤیا در ذهن ما به وجود می آورد که اکثراً در حال بیداری می باشد. ولی مثال هایی هم هست که

بعضی مواقع علم را در خواب و رؤیا به انسان انتقال می دهد. هرچه که باشد از سرچشمه علم خداوند است و در مورد خود خداوند و اخلاق باید گفت یکتاپرستی انسان را انسان تر کند.

تکنولوژی برق

در روشنایی حیرت آوری که از آب ساخته می شود تفکر کنید. چگونه از یک مایع برق تولید می شود؟ تولید برق مسئله ساده و پیش پا افتاده ای نیست و این را کسانی درک می کنند که خردمند و دانا باشند. روشنایی، طی یک سری فعل و انفعالات از آب به وجود می آید که نمونه ساده و مختصر آن را داریم:

درست کردن سد برای ذخیره آب ← آب تحت فشار توسط لوله وصل به توربین ← وصل شدن توربین به ژنراتور و تولید برق و قدرت الکتریسیته ← رسیدن ولتاژ به برق توسط ترانسفورماتور ← الکتریسیته در سیم ← تحویل به مردم.

مگر در آب چه چیزی وجود دارد که می شود از آن نور تولید کرد؟ اگر وجود اسرارآمیز آب نبود مگر می شد که برق تولید بشود؟ آب را چه کسی ساخته، چگونه و با چه هوش بالایی؟

این فرآیند از آب تا برق، سازنده ای بسیار دانا دارد که علمش را به انسان داده است. وقتی ما کلید برق را می زنیم در یک چشم به هم زدن و بدون آن که متوجه بشویم یک سری واکنش های پیچیده با سرعت نور انجام می گیرد و باعث روشنایی خانه می شود. این سرعت نور را چه کسی ساخته؟ برای دانشمندان، به وجود آمدن انرژی الکتریسیته بسیار عجیب و حیرت آور است. به قول

دانشمند بزرگ (ریچارد کارلسن)^۱ اثر انگشت خدا روی همه چیز وجود دارد. یا به گفته دانشمند بزرگ (آرتور سی کلارک)^۲ هر تکنولوژی پیشرفته‌ای از معجزه و جادو غیر قابل تمایز است، کافیست تفکر کنید.

در آسمان نیز الکتریسیته وجود دارد، با ارتباط مغناطیسی و دفع قطب‌های مشابه و جذب قطب‌های مخالف به وجود آمده است. چه کسی این فرمول را در آسمان قرار داده است؟

مگر می‌شود این نظم در نتیجه تصادف به وجود آید؟ فرار الکترون از اتم و پیوستن به اتم دیگر باعث به وجود آمدن الکتریسیته می‌شود. به دلیل وجود الکترون‌های آزاد در فضا، الکتریسیته تولید می‌شود. اگر خدا این الکترون‌ها را به وجود نمی‌آورد و آن‌ها را در فضا پخش نمی‌کرد، چگونه الکتریسیته تولید می‌شد؟ قانون پیچیده کولن به صورت ریاضی تا حدودی بعضی از جزئیات تولید الکتریسیته را توضیح می‌دهد. در این قانون نشان از وجود نیروهای عجیب و کنش-واکنش آن‌ها با یکدیگر در فضا وجود دارد. نیروهای عجیب و نامرئی را چه کسی آفریده است؟ اگر الکترون‌ها در فضا نبود هیچ‌گاه الکتریسیته به وجود نمی‌آمد، چه برسد به این که باعث روشنایی شود. بنابراین فرمول تولید برق، که ابتدا توضیح دادیم به شرطی اثر می‌گذارد که با نیروهای نامرئی آسمان به هم پیوسته گردند بدون اینکه ما متوجه شویم. پس یک سری میان آسمان و زمین است که قدرت ایجاد الکتریسیته به وجود می‌آید. تمام روشنایی جهان بستگی به مفهوم و چگونگی عملکرد آسمانی دارد که پر از الکترون باشد. اگر الکتریسیته موجود در آسمان

^۱ - کتاب فکر نکنید زندگی کنید. ترجمه مهدی قراچه داغی.

^۲ - کتاب یک اودیسه فضایی ترجمه پرویز دواپی.

و فضا نبود شاید هیچ گاه فرمول تولید برق ساخته نمی شد. تفکر کنید! این ها ساخته دست بشر نیستند. به قول دانشمند بزرگ (پاسکال ۱۶۲۴-۱۶۶۲)^۳ اگر خدا وجود نداشت هرگز علم بشر پیشرفت نمی کرد، زیرا خدا زیرساخت های علم را قبل از آنکه ما بدانیم به وجود آورده است تا به وقتش (زمانی که بخواهد) علم و دانش آن را برای به وجود آوردن و استفاده انسان از این کشف به ما نشان دهد.

در داخل بدن انسان، افکارمان جهش کوچکی از الکتریسیته ست که در امتداد اعصاب مان و بین سلول های مغز سفر می کنند! و در حد معمول سالم و اگر الکتریسیته داخل مغز بیش از حد باشد باعث تشنج می شوند. پس بدانید، روشن کردن یک لامپ در خانه خودمان چه پروسه پیچیده ای دارد که متأسفانه ما آن را ساده می انگاریم. به طور کلی و خیلی خلاصه پروسه این فرآیند این است: منبع تغذیه الکتریکی (باتری- ژنراتور ...) ← سیم رابط ← بارگذاری مثل لامپ (که الکتریسیته باعث تأمین انرژی اش می شود) ← کلید برق با مستقل کردن مدارها ← شروع روشنایی.

اگر این کلیات را بخواهیم به جزئیات تقسیم بندی کنیم خیلی طولانی و پیچیده می شود، ولی من قصد دارم تکنولوژی ها را به صورت کلی بنویسم که باعث خسته شدن خواننده نشود. وقتی شما یک کلید برق را می زنید در چشم به هم زدن پروسه طولانی و پیچیده ای با سرعت نور انجام می شود و لامپ روشن می شود. این ها همه معجزات خداوند است، و گرنه اگر خدا پیش ساخت

^۳- کتاب دکتر پاسکال نوشته امیل زولا و ترجمه دکتر محمدعلی خندان

های این تکنولوژی ها و علم استفاده از آن را به بشر نمی داد تمام تکنولوژی هایی که داریم اسباب بازی بیش نبودند.

به قول دانشمند بزرگ (ویل دورانت)^۴ معلومات، کشف تدریجی نادانی خودمان در برابر علم خداوند است. یا به گفته دانشمند بزرگ (ماکس پلانک)^۵ ما باید بپذیریم که پشت این نیروی حیرت آور اندیشه ای آگاه و باشعور می باشد، این وجود آگاه سرچشمه و مبدأ همه چیز است.

موبایل

مخابرات، پیام هایی هستند که هر ثانیه در سراسر جهان به وسیله امواج و سیگنال های الکتریکی الکترومغناطیس منتقل می شوند. اگر در آسمان الکترومغناطیس نباشد غیرممکن است بتوان صدا یا تصویری را از جایی به جای دیگر یا مکانی به مکان دیگر انتقال داد.

چه کسی الکترومغناطیس را به وجود آورده است؟ چگونه صدای ما فوراً به دیگری می رسد؟ اگر الکترومغناطیس موجود در فضا نبود، این عمل غیرممکن بود. چه ارتباط سحرانگیزی باید بین کابل های ما با الکترومغناطیس موجود در فضا باشد تا صدا و تصویر از مکانی به مکان دیگر منتقل گردد؟

آسمان و زمین مکمل یکدیگرند! چه کسی آسمان و الکترومغناطیس آن و علم ربط آن به زمین را به وجود آورده است؟ خدا آسمان و الکترومغناطیس های آن را به وجود آورده است و علم استفاده از این الکترومغناطیس ها را به ما اعطا کرده است. به قول دانشمند بزرگ (آرتور سی

^۴ - کتاب لذات و تاریخ فلسفه - ترجمه دکتر عباس زریاب خویی
^۵ - ماکس پلانک در سال ۱۹۱۸، آلبرت انیشتین، نیلزبور و ارنست رادرفورد که همگی مستحق کسب جایزه نوبل بودند ولی با توافق مهم ماکس پلانک را مستحق ترین شخص برای دریافت جایزه نوبل دانستند. کتاب ماکس پلانک نوشته انجمن فیزیک ایران پدید آورنده ماکس بورن و ترجمه احمد شایگان و کتاب علم به کجا می رود.

کلارک)^۶ هر مسیری به سوی دانش، مسیری به طرف خداوند است که در سرچشمه آن دانش می فهمیم که به وجود آورنده اش خداست. یا به گفته دانشمند بزرگ (اورستد)^۷ عالم به واسطه یک عقل کل و ابدی اداره و منظم و مرتب می گردد و این عقل کل، نتایج و آثار آن را در قالب علم برای ما آشکار می سازد. تلفن، یک گوشی و یک میکروفون دارد میکروفون صدا را به سیگنال های الکتریکی تبدیل می کند، سیگنال ها با سرعت نور در طول سیم ها یا فیبرهای نوری حرکت می کنند. گوشی، یک بلندگو دارد که سیگنال ها را به صوت تبدیل می کند. سیگنال ها چگونه از سیم حرکت می کنند و تبدیل به صدای واضح می شوند؟ چگونه سیگنال ها در سیم به گوشی دیگر می رسد و به پیام صوتی تبدیل می شود؟ چگونه با این سرعت حرکت می کند؟ چگونه صحبت ما فقط به مخاطب ما می رسد و با صداهای دیگر داخل نمی شود؟ چگونه هر پیام صوتی راه خود را بلد است و به جایی می رود که ما به او دستور داده ایم؟ وجداناً این ها معجزه نیستند؟ این ها معجزات خداوند پر قدرت است که علم آن را به ما داده است و اگر خدا نبود چنین کاری محال و غیرممکن بود. به قول دانشمند بزرگ (قیو) که در یک سخنرانی می گوید: خداوند دانا و متصرف در همه چیز است و به عنوان علم کل، همه را تدبیر و اداره می کند. یا به گفته فیلسوف و دانشمند بزرگ (موریس مترلینگ)^۸ هر فکری که شما برای امروز یا آینده کنید یا هر کاری را که امروز یا در آینده انجام دهید، قبلاً از طرف خدا پیش بینی شده و همین که خدا اراده کند دیگر اختیار از سمت من و شما خارج است و آن چیز نباید به وجود بیاید. شک نکنید و مطمئن باشید

^۶ - کتاب یک ادویسه فضایی و مطرح شده در یک سخنرانی

^۷ - کشف اینکه جریان الکتریکی میدان مغناطیسی ایجاد می کند.

^۸ - در سخنرانی و مقالات او- مقاله خدا و هستی اثر مترلینگ. انیشتین می گوید: شاید قرن ها بگذرد و دانشمندی مثل مترلینگ به وجود نیاید در کتاب خداوند بزرگ و من، منصوره

اختراع تکنولوژی های جدید فقط از علم بی پایان خدا نشأت می گیرد و نیرویی ماورائی در آنها وجود دارد و گرنه هیچکس علمش به این حد نمی رسد که چنین چیزهای حیرت آوری درست کند و این خدای با شعور و داناست که علم ساخت و استفاده آن را به صورت الهامات نامرئی به نمایندگی تمام بشر به ذهن انسان مخترع تکنولوژی فرستاده که ما از آن استفاده کنیم. خداوند، آسمان و زمین را مکمل یکدیگر کرده است تا من و شما با خیال راحت با هزاران کیلومتر دورتر به صورت صوتی-تصویری ارتباط داشته باشیم. پس این معجزه بزرگ را ساده و پیش پا افتاده ندانید. موبایل، مسئله ای که تا چند وقت پیش یک رؤیای دست نیافتنی و تخیلی بود و حال رنگ واقعیت به خود گرفته است. به قول دانشمند بزرگ و فیلسوف معروف (پول) در یک سخنرانی، خدا در همه تجلی دارد و همه چیز به خواست و قدرت او پابرجاست. یا فیزیک دان معروف (میچیو کاکو)^۹ که در میان دانشمندان از اعتبار بسیار بالایی برخوردار است، می گوید: بعد از آزمایش های فراوان در تمام علوم و به خصوص در علم فیزیک به طور خلاصه و عامیانه به این نتیجه رسیدم که، ما در دنیایی زندگی می کنیم که توسط قواعد پیش ساخته قوانینی که توسط یک هوش بزرگ ساخته شده مدیریت می شود. باور کنید شانس و تصادف، مسبب به وجود آمدن این دنیای پر از رمز و راز و شگفت انگیز نیست.

۹- سخنرانی در یکی از ویدئوهای مؤسسه big think که در آرشیو یوتیوب وجود دارد

<http://www.youtube.com/watch>

و مقاله ای منتشر شده به نام

Geophiloso of Anthropological and Cultural Studies

و این مقاله در کتاب فیزیک غیرممکن ها

تلویزیون

دستگاه تلویزیون، سیگنال های الکترونیکی تولید شده پراکنده در فضای آسمان را دریافت و به صدا و تصویر تبدیل می کند! آنتن تلویزیون سیگنال های ارسالی از آنتن های فرستنده را دریافت می کند و سپس آن را با سیم ورودی آنتن به پشت تلویزیون می رساند. هنگام روشن شدن تلویزیون سیگنال های صوت و تصویر از یکدیگر و از موج های حامل جدا می شوند و صدا به بلندگوهای تلویزیون انتقال می یابد و سیگنال تصویر به لامپ تصویر وارد می گردد که آن را به شکل تصویر در صفحه تلویزیون به نمایش می گذارد. در پشت لامپ تصویر سه تفنگ الکترونی وجود دارد که پرتوهای الکترون را به سوی صفحه پرتاب می کند. در پشت صفحه تلویزیون صفحه ای فلزی با هزاران سوراخ ریز وجود دارد که به گونه ای قرار گرفته اند که هر سه اشعه الکترونی فقط می تواند به فسفر مناسب خود برخورد کند یعنی اشعه قرمز به فسفر قرمز و ... هر تصویری که مغز دریافت می کند یک دهم ثانیه طول می کشد تا محو شود.

کنترل با استفاده از اشعه مادون قرمز، دستورات را به تلویزیون می فرستد به شکل رمز شبیه به تلویزیون می رسند قطعه حساس در داخل تلویزیون نور مادون قرمز را دریافت کرده و آن را به سیگنال های الکتریکی تبدیل می کند سپس قطعه رمزگشا، اطلاعات را به مکان مناسب در تلویزیون می فرستد. ببینید واقعاً از قدیم گفته اند تلویزیون یک جعبه جادویی است و در اصل هم همین هست. فقط کافی ست تفکر کنید. چگونه در آسمان سیگنال هایی که ما می خواهیم آن ها را مشاهده کنیم همان را نشان می دهد؟ بدون درگیر شدن با میلیون ها سیگنال در آسمان (فضا)

چگونه سیگنال‌ها تبدیل به صدا و تصویر می‌شوند؟ پس چرا در آسمان قابل رؤیت نیستند ولی وقتی به آنتن می‌رسند می‌شوند صدا و تصویر با کیفیت؟ این علم عجیب و پیچیده به نظر شما کار یک انسان عادی بدون الهامات خداوند بوده؟ مگر می‌شود بدون علم خدا این چنین معجزه شگفت‌انگیزی خلق کرد؟ وقتی با خیال راحت و با یک دکمه شبکه را عوض می‌کنیم چطور فوراً تصویر و صدای آن شبکه عوض می‌شود؟ آنتن که همه سیگنال‌ها را با هم دریافت کرده است پس چگونه به راحتی شبکه عوض می‌شود؟

چطور سیگنال‌های میلیونی در فضا از هم تفکیک می‌شوند؟ این‌ها قابل تأمل و تفکرند. این همه واکنش پیچیده در عرض یک ثانیه انجام می‌گردد بدون اینکه ما متوجه بشویم، این علم و معجزه شگفت‌انگیز فقط می‌تواند فکر خدا باشد. هیچ انسانی بدون اینکه خدا علم چنین معجزه‌ای را به او بدهد توان خلق این چنین دستگاه عجیب و شگفت‌انگیزی ندارد. خداوند زیرساخت‌های این معجزه را ساخته و پرداخته قبل از اینکه بشر بداند این چنین کشفی به وجود خواهد آمد و علمش را به ما داده است تا استفاده کنیم، ولی ما غافل از خالق اصلی این دستگاه عجیب و زیرساخت‌ها و ملزوماتش در زمین و آسمان، پیشرفت علم بشر را بدون دخالت خدا می‌دانیم که این ظلمی است بسیار بزرگ بر خدا و خودمان و هم نوعانمان.

حتی (استیفان هاوکینگ) فیزیک‌دان مشهور که خدا ناباور بود در کتاب تاریخ مختصر زمان که می‌نویسد: توازن‌های موجود در هستی بر اساس محاسباتی دقیق و فراتر از آن است که ما توان

درک همه آن را داشته باشیم. یا به گفته دانشمند بزرگ (نوریس کلارک)^{۱۰} فیلسوف و دانشمند بزرگ و معروف متافیزیک که می گوید: علم معاصر به ما نشان می دهد که نظام جهان مجموعه ای متشکل از قوانین مربوط به هم و پیوسته و وابسته به هم می باشند. پس یک کل قدرت مند تمام بخش ها را ساختار بندی و تعیین می کند و ارتباط آن ها را با یکدیگر مشخص می کند و از قانونی که او بگذارد هرگز راه گریزی نیست.

دوستان عزیز، به اطرافتان خوب بنگرید و اندیشه کنید و بفهمید که هرگز بشر نمی توانست این همه تکنولوژی جادویی را کشف کند، اگر علم و حضور خدا در همه آن ها نبود.

گاز

شما توجه کنید، گاز مشخص نیست و نامرئی است و فقط بوی آن قابل تشخیص است. چطور می شود یک بو در اعماق اقیانوس ها اینقدر خاصیت داشته باشد؟ چگونه این بوی نامرئی در آب پخش نمی شود و ما می توانیم بعد از میلیون ها سال آن را استخراج کنیم؟ چطور این بوی نامرئی عجیب در تمام اقیانوس ها یا دریاها در مکان های خاص است و همان جا می ماند تا ما آن را به دست آوریم؟ بدن موجودات زنده چگونه به گاز تبدیل شده است و آثاری از موجودات دیده نمی شود؟ چه کسی غیر از خدا توان مدیریت این امر را دارد؟ چطور ممکن است بدن یک موجود زنده پس از مرگ و پس از میلیون ها سال بعد به یک بوی نامرئی پر کاربرد و مهم تبدیل شود که فواید بسیار اعجاب انگیزی دارد؟ در عمق اقیانوس ها یا دریاها چه راز مرموز و عجیبی است؟ مگر چند میلیارد موجود زنده به مرگ رسیده اند و میلیون ها سال بعد از مرگ آن ها به

^{۱۰} - نقل قول در یک سخنرانی و مقاله علمی.

گاز تبدیل شدند و تمام دنیا از آن بهره می برد؟ با این همه صاحب و مخترع اولش (خدا) را به یاد نمی آوریم. چه کسی حواسش به این موضوع بوده است وقتی هیچ کدام از اجداد ما زنده نبوده اند، چه کسی زنده بوده است که این معجزه را مدیریت کرده و بعد از میلیون ها سال علم استفاده از آن را به ما داده است؟ مخترع این معجزه عجیب و پرخاصیت چه کسی بوده است؟ به قول دانشمند بزرگ (رنه دکارت)^{۱۱}: هر چیزی که صاحب آن هستیم را خدا به ما داده است و او هرگز ما را فریب نمی دهد. بدیهی ست که خداوند، علم را از جنبه مثبت و ارزشمند بودن برای ما آشکار می سازد. یا به گفته دانشمند بزرگ (لیته)^{۱۲} که می گوید: من پرتو عظمت و قدرت خدا را جاودانی و با خبر از آشکار و نهان، حس کرده ام. من آثار او را، اعم از تمام مخلوقات و موجودات مشاهده نموده ام، حتی کوچک ترین آن ها و موجوداتی که به چشم انسان دیده نمی شوند. چه قدرت و قوت و علمی در آن به کار رفته؟ چه عقل و کمال غیرقابل وصفی در آن ها وجود دارد؟

چه کسی فعل و انفعالات زندگی موجود زنده و سپس مرگ و تبدیل شدن به گاز را مدیریت کرده، جز خدا؟ مگر می شود کسی قدرت چنین کار سخت و چند میلیون ساله را داشته باشد؟ چند نوع ماده دیگر از این بوی خارق العاده و تحسین برانگیز نیز به دست می آید. موادی اعجاب انگیز و بسیار پر خاصیت. مثلاً می دانستید بنزین خالص بنزین تولید شده از گاز است؟! (ولی بنزین

۱۱ - چند فلسفه جدید- ریاضیدان، فیزیکدان- فیلسوف دکارت به فکر یکی کردن تمام علوم افکار. در شب دهم نوامبر ۱۶۱۹ وی رؤیایی در خواب دید و آن را اینگونه تعبیر کرد که روح حقیقت او را برگزیده و از او خواسته تا همه دانش ها را به صورت علمی واحد درآورد. تحقیقات رنه دکارت بیشتر تجربه و تفکر شخصی بود و کمتر از کتاب استفاده می کرد. قانون شکست نور در علم فیزیک را کشف نمود و همچنین به وجود آورد و هندسه تحلیل در ریاضیات و هندسه کتاب گفتار در روش درست به کار بردن عقل، ترجمه محمدعلی فروغی

۱۲ - نقل قول

به اشکال دیگری هم از نفت تولید می شود) کدام انسان می تواند چنین چیزی خلق کند؟ اگر تمام انسان ها مغز و توانشان را به کار بگیرند همه با هم نمی توانند چنین چیزی به وجود آورند. کجا شنیده اید بگویند یکی گاز و نفت را اختراع کرده است و دیگر نیازی به اعماق اقیانوس ها و دریاها نداریم؟! به قول دانشمند بزرگ (نوریس کلارک) و فیلسوف و دانشمند متافیزیک فقط یک کل باهوش می تواند عناصر مختلف عالم را بدون آنکه خصوصیات خاص خودشان را از دست بدهند با هم ترکیب و یا در آمیختگی درست در کنار یکدیگر نگه دارد و روابطشان را با هم مشخص کند. چنین ذهن نظم دهنده ای مستقل و برتر از سیستم تمام عالم است و برای به وجود آوردن و عملکرد در چیزی که بخواهد به این سیستم وابسته نیست و برعکس سیستم هستی برای بقاء و عملکرد درست ثانیه به ثانیه به این کل باهوش وابسته است. یا به گفته (جان کلوندکوثرن)^{۱۳} دانشمند بزرگ ریاضیات، شیمی و فلسفه که می گوید: من با تمام تلاش و مطالعه سال های طولانی به این نتیجه منطقی و اجتناب ناپذیر رسیدم که این آفرینش شگفت انگیز بنا به خواست و نقشه شخصی بسیار دانا و توانا انجام شده است که توانسته آنچه را خواسته و اراده کند، به مرحله عمل در آورد و همه وقت و همه جای این جهان حضور دارد. هر دانشمند متفکر و باطن بینی در هر زمینه ای از علوم به نتیجه من می رسند، در صورتی که خیلی ها قبل از من به این نتیجه درست رسیده اند. داستان کشف گاز خیلی جالب است؛ قرن ها پیش روزی چوپانی در دلفی یونان متوجه شد چیزی از زمین خارج می شود که بر اثر آن گوسفندان کارهای عجیب می کردند

۱۳- نقل قول

و مردم نیز تحت تأثیر آن گیج می شدند. یونانیان می پنداشتند که این روح یکی از خدایان است که ظاهر شده و در آن حوالی معبدی بنا نهادند! ولی آن بوی عجیب گاز بود.

ماشین

فرمول عجیب و پیچیده ماشین و این هم‌بستگی اجزای آن با هم، مسلماً برگرفته از یک تفکر بسیار بالاست. این علم توسط خدا از راه الهامات نامرئی و ذهن ناخودآگاه به انسان رسیده تا ماشین، توسط وی ساخته شود. هر روز هزاران ماشین را می بینیم و خیلی ساده از کنار آن می گذریم، در صورتی که در بطن و فلسفه ماشین معجزه ای بزرگ نهفته است و علمی پیچیده باعث به وجود آمدن آن شده است. مگر این بنزین یا گازوئیل چقدر قدرت دارند که باعث حرکت یک ماشین می شوند؟ چنانچه مقداری سوخت با انرژی بالا مثلاً بنزین در یک ظرف بسته را منفجر کنید مقدار غیر قابل باوری انرژی به صورت گاز منبسط آزاد خواهد شد. بنزین ماده‌ای بسیار قدرتمند و حیرت‌آور است. صدها بار در دقیقه انفجار صورت می‌گیرد تا خودرو حرکت کند مثلاً شما در یک سربالایی ماشینی را هل بدهید. با کمک چند مرد پر قدرت دیگر، نمی‌توانید چند متر بیشتر آن را تکان دهید چه برسد به کیلومترها. ولی وقتی بنزین در باک ماشین می‌افتد قدرت و انرژی بسیار زیادی باعث حرکت خودرو تا هزاران کیلومتر می‌شود. با قدرت خدا که علم کشف و تولید آن از نفت اعماق زمین یا گاز را به ما داده، می‌توان باعث حرکت ماشین شد، حتی ماشین‌های غول‌پیکر مثل تریلی‌ها. مگر این مایع اعجاب‌انگیز چیست که این قدر قدرت بالا و انرژی فوق‌العاده‌ای دارد؟ چگونه می‌تواند هواپیماهای غول‌پیکر را هزاران کیلومتر حرکت

دهد؟ آیا قوی ترین مردان جهان می توانند هواپیما را روی دست بگیرند و کیلومترها حرکت کنند؟ جریان قالی سلیمان را حتماً شنیده اید که خدا با یک قالیچه، سلیمان را در تمام عالم به این طرف و آن طرف می برد. اصلاً نخندید! هواپیمای امروز ما معجزه ای بسیار حیرت آور است که در وصف این علم معجزه گونه فقط می توان گفت خدایی با علم فراوان آن را به ذهن یکی از بندگانش انداخته تا با اختراع آن باعث رفاه و راحتی انسان های دیگر شود. به قول شاعر و فیلسوف بزرگ (دانته)^{۱۴} هیچ کدام از نعمت های خدا نیست که گروهی از آفریده های خدا از آن بهره نگیرند. وقتی هواپیمایی در آسمان می بینید ساده به آن ننگرید و بدانید این وسیله تجلی یک معجزه بزرگ است که خدای پر قدرت توانایی اختراع و استفاده از آن را به انسان آموخت. وقتی یک سیب را در آسمان به بالا بندازید، جاذبه فوراً آن را به پایین می فرستد. پس چطور هواپیمایی غول پیکر که میلیاردها برابر سنگین وزن تر از سیب است صدها انسان و اجسام بسیار سنگین را در آسمان حرکت می دهد؟ این علم غلبه بر جاذبه کار کیست؟ خدا چه علمی به انسان داده که بتواند بر جاذبه غلبه کند؟ به گفته فیلسوف بزرگ (هربرت اسپنسر)^{۱۵} که می گوید: ما از میان این همه اسرار که هرچه بیشتر تحقیق کنیم بر پیچیدگی و ابهام آن افزوده می گردد، یک حقیقت واضح و قطعی را درک می کنیم و آن حقیقت این است که برتر از انسان، یک نیروی ازلی و ابدی وجود دارد که همه هستی و اشیاء از او پدید آمده اند. یا به قول دانشمند بزرگ

^{۱۴} - فیلسوف و نویسنده بسیار معروف کتاب کمدی الهی (همچنین در کتاب ضیافت) هم آمده است.
^{۱۵} - یکی از مقالات پایان عمر - هرچند اسپنسر مثل داروین ابتدا تکامل را قبول داشت و حتی کتاب هایی در این باره نوشت ولی در پایان عمر خود طرز نگاهش خیلی تغییر کرد و درحالی که تا حدودی تکامل را قبول داشت ولی به یک نیروی ماورایی و قدرتمند نیز توجه داشت.

(جوران)^{۱۶} خدا همان قادر ازلی است که همه موجودات و علوم، وجود و ترقی خود را از او می گیرند و بدون خدا هیچ علم و تکنولوژی به وجود نخواهد آمد.

نفت

در اعماق بسیار عمیق دریا‌های قدیمی نفت وجود دارد. سوخت های فسیلی انرژی هایی هستند که از موجودات زنده به دست می آیند! فسیل ها قسمت های سخت بدن موجودات زنده هستند که در طول سالیان دراز به سنگ تبدیل شده اند. نفت و گاز هم حاصل تغییرات شیمیایی و تجزیه جانداران ذره بینی و تک سلولی فراوان در زیر رسوبات دریا است. وقتی موجودات می میرند تجزیه می شوند و به وسیله خاک و شن و موارد دیگر پوشیده می شوند. این لایه های شن و خاک مرتباً زیاد می شوند و مواد تجزیه شده را به قسمت های عمیق تر خاک می برند و تحت فشار و گرمای فوق العاده زیاد قرار می گیرند. آیا این فرمول حیرت آور و غیرقابل باور می تواند اتفاقی و بدون دخالت یک عقل کل باشد؟ چه عقل سلیمی منکر وجود خداوند است؟ مگر می شود این همه معجزه عجیب و نشانه های بی شمار و تحسین برانگیز را دید و گفت خدا وجود ندارد؟! میلیاردها سال پیش چه کسی این موجودات را خلق و سپس تجزیه کرده و بعد از فعل و انفعالات حیرت آور آنها را به نفت و گاز تبدیل کرده است؟ به قول فیلسوف حکیم آسمانی (آکویناس)^{۱۷} که در براهین پنج گانه معروف خودش می گوید: در بدن انسان ها و حیوانات میلیون ها مولکول وجود دارد که قدرت زندگی را از اراده بالاتر از خود می گیرند و باعث

^{۱۶}- در کتاب نظریه کوانتوم فیزیک

^{۱۷}- تلیفیک مسیحیت و تفکرات ارسطو در کتاب ورود به خداشناسی summa theologiae

زندگی صاحبشان می شوند، ولی هنگامی که انسان یا حیوان و کلاً هر موجود زنده ای بمیرد مولکول ها باقی می مانند اما بدن قدرت حرکت و زندگی را ندارد زیرا پشت آن اراده و قدرت و خواست خدا نیست. نیرویی خارج از جهان و داخل جهان وجود دارد که نسبت به این جهان برتری دارد و او یک دانشمند فوق العاده داناست. دانشمندی که همه چیز را می داند از هر علمی آگاه است و او کسی نیست جز خداوند. وجود خدا ضروری است، بهترین در اوج کمال. در ادامه می گوید: با توجه به اندیشه گرایی، برهان نظم زیبا و پیچیده است. حتماً وجود یک طراح هوشمند غیرقابل انکار است و کسی که این موضوع را نپذیرد، مشکل روانی دارد شک نکنید. هیچ گاه اتفاق و شانس باعث هدف دار کردن هستی نمی شود. در عالم یک هدف بزرگ و میلیاردها هدف دیگر که زیردسته هدف اصلی بزرگ است، وجود دارد. آیا می شود این همه هدف را برگرفته از تصادف دانست؟ اگر داروینیان معتقدند که نظم جهان شانسی است، پس چرا هیچ مدرک تجربی آن را ثابت نمی کند؟ در واقع هیچ علم تجربی نمی تواند آن را ثابت کند و فکر کردن در مورد آن آب در هاونگ کوبیدن و اتلاف وقت است. ذهن ما تنها وسیله ای است که می توانیم توسط آن واقعیت را بدانیم. روز به پایان می رسد، شب می آید، باران می بارد و به پایان می رسد، می خوابیم و بیدار می شویم. این نشانه های کوچکی از پایان یافتن عالم نیز می باشند. پس بدانید حتماً هستی هم از یک زمان شروع و در یک زمان پایان می پذیرد و این نشانه- های بزرگی از عظمت خداست، انسان هایی که اندیشه می کنند آن را می فهمند.

هواپیما

برای پرواز هواپیما، تقابل چندین نیروی فیزیکی با هم و هم‌زمان باید صورت بگیرد. هواپیما معجزه ای جالب و غیر قابل باور است، با استفاده از رانش (که نیروی حرکت هواپیما به سمت جلو می باشد که توسط موتورهای هواپیما تأمین می گردد) سپس نیروی پسا (خنثی کردن مقاومت هوا) سپس لیفت یا نیروی برا (که باعث می شود فشار در سطح بالایی بال کاهش می یابد و فشار در سطح پایین بال ها که بیشتر از بالاست و هواپیما می تواند به سمت بالا حرکت کند) و سپس غلبه بر نیروی پر قدرت جاذبه با انرژی زیاد نیروی برا. این روند به طور خلاصه عملکرد یک هواپیما را توضیح می دهد که هر کدام جزئیات بسیار زیاد و فعل و انفعالات پیچیده ای دارند که در حوصله این کتاب نیست. این همه هماهنگی، این همه پیچیدگی، آیا ساخته ذهن یک انسان بدون دخالت خداست؟ مگر می شود گفت یک انسان بدون الهام از خدا این قدر باهوش باشد؟ این علم فقط و فقط علم خداست و نه هیچکس دیگر. اگر خواست و اراده و علم خداوند نبود این هواپیماها و تمام تکنولوژی های دیگر اسباب بازی بیشتری نبودند. به این معجزات، ساده ننگرید. در فلسفه وجودی آن‌ها تفکر کنید. مطمئن باشید به مخترع اصلی آن یعنی خدا می رسید. به قول دانشمند بزرگ (اوایلر)^{۱۸} ریاضیدان معروف که می گوید: تمام علوم ثابت می کنند که در دنیا نظام معجزه آسایی وجود دارد که اساس آن قوانین پیچیده و غیرقابل انکار جهان هستی است. قوانینی که به خواست و قدرت خدا در سراسر عالم وجود دارند و خدا آن‌ها را به صورت علم و به نام تکنولوژی به ما آموخته است، که اگر خدا علم و زیرساخت های تکنولوژی ها را به ما نمی

^{۱۸} - اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند اثر مونسما

آموخت این تکنولوژی ها افسانه و رؤیایی غیرممکن بودند. خدا علم به وجود آمدن یک تکنولوژی را از طریق الهامات نامرئی به ناخودآگاه مغز و حتی ذهن خودآگاه انسان می فرستد. یا به گفته دانشمند بزرگ (جورج گرین اشتاین)^{۱۹} اخترشناس که می گوید: هربار که با دقت به تکنولوژی های ساخته دست بشر توجه کردم همواره با این حقیقت روبه رو شدم که قدرتی دانا و فوق طبیعی در پیدایش این تکنولوژی دخالت داشته است.

ماهواره

شامل فضایی ماهواره ها را به مدارهای بالایی و دوردست آسمان زمین پرتاب می کند. جاذبه زمین نیروی گریز از مرکز فراهم می آورد که ماهواره را در مدار قرار بدهد. ماهواره های ارتباطی اطلاعات و سیگنال را از فرستنده های زمین دریافت می کنند و در جایی دیگر در زمین ارسال می کنند! ماهواره ها با امواج رادیویی با سرعت نور جا به جا می شوند. در آسمان زمین نیروهای غیرقابل دیدنی وجود دارد که فضای آسمان و زمین را بستر مناسبی برای جا به جایی امواج الکترونیکی می کنند. پس چه کسی فضای آسمان زمین را میلیون ها سال قبل از اختراع ماهواره و امواج رادیویی، بستر مناسبی برای به وجود آوردن و انتقال انسان قرار داده است؟ وقتی شما می خواهید شبکه ای را بگیریید توسط یک سری عملیات و اعداد مخصوص، این شبکه و دقیقاً همان برنامه روی آنتن شما می آید. آن امواج چگونه منتظر دستور شما به صورت ریاضی بوده اند تا به خدمت شما بیایند؟ به قول دانشمند و ریاضیدان اخترشناس بزرگ (گاليله)^{۲۰} که می

^{۱۹}- رساله ای بر کاربرد تحلیل ریاضی در نظریه های الکتروسیسته و مغناطیس
^{۲۰}- کتاب گفتگو در باب دو سامانه بزرگ جهان.

گوید: ریاضیات اسراری است که خدا با آن جهان را نوشته. اسراری که بشر توان درک آن را ندارد. با فرمول هایی بسیار عجیب و مشکل که اندیشه و ذهن ما عاجز از شناخت همه آن هاست. به طور مثال وقتی در چند جای جهان هم زمان چند مسابقه فوتبال پخش مستقیم است چطور امواجشان با هم داخل نمی شوند و شما با یک دکمه به امواجی که بازی مورد نظرتان را دارند، دستور می دهید به دستگاه پخش کننده من بیا با سرعت نور! عجیب نیست؟ چگونه چند عدد این - قدر توانایی دارند؟ مگر این امواج ماهواره ای چقدر دقیق هستند که کاملاً با نظم به آنتن هایی می - آیند که کسی از آن ها خواسته به دستگاه او برسند؟ چطور امواج با سرعت نور، تصاویر یک بازی فوتبال که مثلاً در آمریکا در حال برگذاری است، برای ما به ایران می آورند؟ آیا عجیب نیست؟ آیا همه عالم و هستی عجیب نیست؟ چرا بعضی از انسان ها از روی ناآگاهی منکر وجود خدا می شوند؟ آیا این همه نظم عجیب و غریب و مرتبط با هم و پیچیده می تواند اتفاقی به وجود آید؟ به قول دانشمند (جان کلوند کوثرن)^{۲۱} ریاضیدان و شیمیدان بزرگ که می گوید: آیا هیچ آدم عاقل و مطلعی می تواند باور کند که چیزی شانسی و خود به خود به وجود آید، به خود هم نظم ببخشد؟! یا دانشمند فیزیولوژی و بیوشیمی (والتر اسکار لندبرگ)^{۲۲} که می گوید: اگر کسی منکر وجود خدا باشد و در عین حال نظم و ترتیب در عالم را قبول داشته باشد به بزرگ ترین تضاد منطقی و علم سلیم رسیده است. چه کسی این امواج رادیویی را به گونه ای طراحی کرده که سرعت نور داشته باشند؟ چرا این همه امواج در آسمان که از طریق فرستنده های بی شمار صورت

^{۲۱} - کتاب اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند مونسما

^{۲۲} - کتاب اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ اثر مونسما

گرفته، با هم داخل نمی شوند؟ آیا همدیگر را می شناسند؟ این نظم و فلسفه را مطمئناً یک عقل کل بسیار پیشرفته به وجود آورده است و به ما آموخته. چه کسی این همه تفکیک امواج با همدیگر را به ما یاد داده است؟ چگونه کسی علم استفاده از امواج رادیویی نامرئی را به ما داده است؟ چرا، چرا، چرا این همه ماهواره، این همه کشور، این همه شبکه، این همه برنامه با هم داخل نمی شوند؟ این امواج چطور فقط برای کسی که خواهان آن است می آید؟ به طور مثال، شما وقتی در ایران هستید و می خواهید شبکه ای از ایتالیا را از طریق ماهواره ببینید با تنظیم و چند عدد این امواج برای شما می آیند نه به خانه همسایه شما، آیا تأمل برانگیز نیست؟ این ها علم بسیار پیشرفته خداوند است که آن را به ما یاد می دهد، خدای مهربانی که علمش را به انسان داده است و انسان آن را متعلق به خود می داند! در صورتی که تمام زیرساخت ها و بسترسازی و علم استفاده از تمام تکنولوژی ها را خدا ساخته و پرداخته کرده است. به قول دانشمند بزرگ زیست شناس معروف (سیسیل بویس هامان)^{۲۳} که می گوید: در قلمرو علم به هر سو، می نگرم نشانه های مثبت و اراده و قانون و نظم یک وجود عالی را مشاهده می کنم. کاملاً منطقی است که بگوییم تمام نظم هستی را دست نامرئی خدا به واسطه قوانین دقیق و مرحله به مرحله، به ما می آموزد. به گفته دانشمند فیزیک (جرج ایرل داویس)^{۲۴} که می گوید: به همان اندازه که گیتی، رو به توسعه و تکامل می رود به همان اندازه وجود یک حکمت عالی روشن تر نمایان می شود.

^{۲۳} - کتاب اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ اثر مونسما
^{۲۴} - کتاب اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ اثر مونسما

دوربین

اجزای دوربین ← منبع انرژی - کلید سرعت - چشمه - فیلتر - شاتر - فیلم خام (سی دی) -

کنتور - عدسی - نورسنج - دیافراگم

با علم چگونگی کارکرد این اجزا ما می‌توانیم از خاطره‌های خود یادگاری بگیریم و تا همیشه آن‌را داشته باشیم. علم ساخت این وسیله خارق‌العاده را چه کسی به وجود آورده است؟ چه کسی بستر لازم این علم سازه را فراهم کرده و سپس علم اختراع و استفاده از آن را به انسان داده است؟ چگونه تصویر و صدا را می‌توان ضبط کرد؟ چگونه صدای تصویر بعد از سال‌ها باز هم می‌ماند؟ چگونه این صدا هست؟ کجاست؟ چگونه روی فیلم باقی مانده است؟ فیلم را نزدیک گوشتان بگذارید، هیچ صدایی نیست. سال‌ها به فیلم خیره بمانید هیچ تصویری نمی‌بینید، ولی تصویر و صدا در دستگاه مخصوص خود که علم ساخت آن را خدا داده است پخش می‌شود. اگر خدا نبود امواج مغناطیسی در هوا نبودند که تصویر و صدا وارد دوربین شود، چه کسی امواج مغناطیسی حمل‌کننده تصاویر و امواج مغناطیسی حمل صدا را به وجود آورده است؟ اگر این امواج نامرئی نبودند هرگز صدا یا تصویری وارد دوربین نمی‌شدند. خداوند زیرساخت این علم را به وجود آورده است و سپس پله پله علم استفاده از آن را به واسطه علم اختراع دوربین و دستگاه‌های لازم برای پخش داده است. علم مال خداست. انسان مخترع ظاهری یک تکنولوژی است و مخترع اصلی کسی نیست جز پروردگار بزرگ و باهوش. به گفته دانشمند بزرگ (مویس)^{۲۵} منبع هوش انسان برای اختراع یک تکنولوژی از یک منبع و هوش خارق‌العاده بالاتر از خود به وجود می

^{۲۵} - اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ اثر مونسما

آید. یعنی منبع اصلی و بالاتر باعث پر شدن منبع پایین است و درغیراین صورت منبع پایین هیچ قدرت و توانایی را ندارد یا به گفته دانشمند بزرگ و فیزیک دان معروف آمریکایی (هوگ روس)^{۲۶} که می گوید: ما می دانیم انفجارها فقط خرابی به بار می آورند. حال اگر بینیم که پس از انفجار بینگ بنگ بزرگ و معروف که جهان به وجود آورده است، نظامی دقیق و حساب شده برجای مانده است. معنای آن این است که پشت این انفجار عظیم و شروع جهان دخالتی غیرمعمول و فوق طبیعی وجود داشته، دخالتی بسیار تأثیرگذار که تمام ذرات ماده ای پراکنده را تحت سیطره ای زیبا و هماهنگ و متوازن به وجود آورده است و او خدای بزرگ و دانا و قدرتمند است.

کامپیوتر و اینترنت

شاید یکی از عجیب ترین و پیچیده ترین اختراع بشر کامپیوتر باشد. علمی حیرت آور که انسان هرگز نمی توانسته بدون الهامات نامرئی که از طرف خداوند به مغزش رسیده، علم تولید و استفاده از آن را به دست آورد. شما در فلسفه کامپیوتر تفکر کنید که چگونه می توان خیلی از کارها را با آن انجام داد. کامپیوتر مثل غول چراغ جادوست که انسان به او امر می کند و او دستورات انسان را انجام می دهد! کامپیوتر ذخیره می کند، تجزیه و تحلیل می کند، حساب می کند، بررسی می کند آزمایش می کند و ... نرم افزارهای بسیار پیشرفته ای در تمام علوم و رشته ها در جهان وجود دارند که کارهای خارق العاده ای انجام می دهند که باعث تعجب و شگفت زدگی انسان می شود. حتماً بررسی کنید، آیا به نظر شما این چنین علم محشری می تواند بدون

^{۲۶} - اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ اثر مونسما

تفکر و علم خداوند به وجود آمده باشد؟ هرگز انسان بدون کمک های نامرئی علم به ذهن ناخودآگاه و حتی خودآگاه و کمک خداوند، توان ساخت چنین چیزی را نداشته و نمی توانست این قدر از لحاظ علم قدرتمند باشد که چنین دستگاه متحیر کننده ای را به وجود آورد. البته مغز انسان هم مثل یک کامپیوتر بسیار پیشرفته است. در مغز انسان هزاران راز حیرت آور و عجیب وجود دارد که هزاران کامپیوتر فوق پیشرفته توان و پیچیدگی یک پنجم آن را هم ندارد. کامپیوتر مغز انسان بسیار پیشرفته و پیچیده است و خدا از طریق این مغز پر قدرت علم ساخت استفاده از کامپیوتر را به انسان آموخته است. منبع تمام تکنولوژی های امروز اول از خدا و سپس از مغز خود انسان نشأت می گیرند، یعنی خداوند مغز برتر و سرچشمه است که علم فراوان و بی پایان و حیرت آور خود را تا حدودی به مغز انسان انتقال می دهد و گرنه اگر سرچشمه اصلی نباشد هیچ علمی وجود ندارد و هیچ تکنولوژی وجود ندارد. فقط کسی که این مغز پیچیده و قدرتمند و هماهنگ را خلق کرده و به وجود آورده توان ساخت علم کامپیوتر پیشرفته و تمام تکنولوژی های دیگر را به انسان آموخته است، شک نکنید. در مغز انسان نشانه های فراوانی وجود خدا را تأیید می کند. برای کسانی که اندیشه می کنند. کسی نمی تواند جز خدا این مغز بسیار پیشرفته را بسازد. در مورد مغز و توانایی های شگفت انگیزش تحقیق کنید تا بفهمید مغز چه معجزه بزرگی است. چگونه میلیاردها نورون با هم هماهنگ در ارتباطند؟ چه قدرت خارق العاده ای دارد؟ چه سازمان پیشرفته و حیرت آوری دارد؟ اگر تمام دانشمندان عالم جمع شوند با تمام تجهیزات نمی توانند چیزی کامل شبیه مغز بسازند تا خصوصیات پیچیده و غیرقابل باور مغز، بسیار عجیب است.

اگر انسان در این خصوصیات بزرگ، تفکر و اندیشه کند حتماً به سازنده اش آفرین خواهد گفت. (هیچو کاکو) دانشمند معروف می گوید: مغز انسان از ۱۰۰ میلیارد نورون ساخته شده است و هر کدام از نورون ها با ده هزار نورون دیگر در ارتباط است. آنچه که در سر شماست پیچیده ترین پدیده در کیهان است که امکان ندارد هرگز انسان بتواند قدرت ساخت چنین سازه پیشرفته ای را داشته باشد. هر چند تمام ابعاد انسان و دیگر جانداران بسیار حیرت آور و شگفت انگیز است که جز خدای یکتا کسی توان به وجود آوردن این چنین معجزه ارزشمندی را ندارد. هر چه در آسمان و زمین است مخلوق خداوند بزرگ است به قول (حافظ شیرازی) که می گوید: عاشقم بر همه عالم، که همه عالم از اوست. یا (مولوی) شاعر و عارف بزرگ که می گوید: جهد کن تا پیر عقل و دل شوی، تا چون عقل کل باطن بین شوی. تمام این کتاب من، خلاصه و مختصر در همین شعر زیبا و معنی دار مولوی است که به انسان می گوید: کوشش کن اندیشه کن با عقل و منطق و خرد و با قلب پاک که بفهمی. فقط ظاهر هر چیز را نباید دید بلکه باطن را باید دید. به قول یک ضرب المثل قدیمی، تو مو می بینی و من پیچش مو. اگر لطف خدا نباشد هرگز انسان نمی تواند این گونه که همه وسایل آسایش و راحتی در اختیارش باشد زندگی کند.

راز عجیب و متحیرکننده عالم هستی بسیار بسیار پیچیده و شگفت انگیز است. اگر تمام دانشمندان و انسان ها جمع شوند نمی توانند تمام علوم موجود در کائنات و هستی را شرح دهند. به گفته فیلسوف بزرگ (کاترین پاندر)^{۲۷} که می گوید: خداوند را هزاران بار سپاس گویند که نعمت ها و موهبتش را به دلیل بیش محدود ما متوقف نمی کند. (سقراط) می گوید: زیادی دانش واقعی در

^{۲۷} - کتاب دولت عشق ترجمه گیتی خوشدل.

این است که بدانی خیلی کم می دانی. علم واقعی در دستان خداست و انسان بدون عقل کل یعنی خدا هرگز قدرت زندگی کردن را ندارد چه برسد به اختراع تکنولوژی. (ورنرهایزنبرگ)^{۲۸}

۱۹۰۱-۱۹۷۶: نوشیدن اولین جرعه از لیوان علوم، انسان را به علم خودش مغرور می سازد. ولی در انتهای این لیوان خدا را خواهد دید و می فهمد سرچشمه اصلی تمام علوم در نزد خداست. (هنری درومند) در کتاب ظهور انسان در توضیح یکی از براهین اثبات خدا به نام خدای حفره ها می گوید: خدا برای پر کردن خلأ علمی بشر ساخته شده است.

اینترنت

اینترنت، واقعاً اعجاب انگیز و جادویی است. به فلسفه اینترنت با دقت فکر کنید. اینترنت یک معجزه خارق العاده است که فقط خدا با علم بی حد و اندازه اش می تواند چنین چیز حیرت آوری به وجود آورد و علمش را به انسان بدهد. شما در لحظه می توانید با میلیون ها نفر انسان، یادداشت و تصویر و فیلم به اشتراک بگذارید. این تصویر یا فیلم یا یادداشت از کجا به مخاطبان شما می رسد؟ چگونه از گوشی بیرون می رود؟ ولی هنوز در گوشی شما سرجایش است؟ چگونه می شود با سرعت نور صدا و تصویر از کابل های فیبر نوری حرکت کند؟ چرا تصاویر و صدا و فیلم و پست و یادداشت های همه کاربران باهم داخل نمی شود؟ این مطالب از کجا می روند که به مخاطبان ما می رسند؟ در زمین، آسمان یا زیرزمین؟ ولی به مخاطب یا مخاطبان ما می رسد و قابل مشاهده می گردد. به نظر من اینترنت عجیب ترین و شگفت انگیزترین معجزه خدا در قرن ۲۱ است. معجزه ای که علم قادر به توضیحش نیست. اگر هزاران موج مغناطیسی قدرتمند

^{۲۸} - بنیان گذار فیزیک کوانتومی- کتاب جزء و کل به ترجمه حسین همدانی.

و کشف شده و نشده در هوا و آسمان و زمین نباشند چگونه می شود بتوان از چیزی به اسم اینترنت استفاده کرد؟ موج های مغناطیسی را چه کسی قبل از اختراع اینترنت در آسمان پخش کرده است؟ کسی صاحب اینترنت نیست، هیچ شخصی یا کشوری نمی تواند تعیین کند چه کسانی به آن وصل شوند و چه کسانی نشوند. داده ها و فرستاده های شما به کد تبدیل می شود که فقط دریافت کننده یا دریافت کنندگان می توانند آن را رمزگشایی کنند آن هم توسط گوشی شما. چه راز عجیبی بین ساخت گوشی شما و امواج مغناطیسی به وجود آورنده قدرت اینترنت در آسمان و در کابل های زیرزمین وجود دارد؟ دانشمندان، مقدار بسیار کمی از اسرار عالم را کشف کرده اند ولی هزاران موضوع دیگر را کشف نکرده اند، اگر هم کشف کنند علم قادر به توضیحش نیست. متنی که ما می نویسیم و آن را برای مخاطبمان می فرستیم چگونه با سرعت نور می رود؟ چرا همه انسان هایی که هم زمان با اینترنت کار می کنند یادداشت ها و تصاویر و فیلم هایشان با هم تداخل پیدا نمی کند و هر متن یا تصویر، فقط به کسانی می رسد که ما به اینترنت دستور داده ایم؟

مثلاً فکر کنید که شما اهل تهران هستید و یک لطیفه برای دوستان در خرم آباد می فرستید ولی تا قبل از اینکه به خرم آباد برسد در تهران به گوشی شخص دیگری برسد!! مگر چگونه حرکت کرده که این قدر دقیق است و فقط به مخاطب خود می رسد؟ به عظمت خداوند سوگند تمام تکنولوژی های عالم معجزه هستند و معجزه را جز خدا هیچ احدی نمی تواند به وجود آورد. فقط علمش را کم کم به بشر می آموزد. اگر تأمل کنیم می بینیم که علم تا حدود کمی توانایی

توضیح دادن در مورد معجزات خداوند را دارد. به قول دانشمند بزرگ (نیوتون): جاذبه زمین علت حرکت سیارات را بیان می‌کند. اما در مورد اینکه چه کسی این سیارات را به حرکت درمی‌آورد نمی‌تواند نظر بدهد. خدا بر همه چیز حاکمیت می‌کند و از همه امور باخبر است و وجود داشتن هر چیزی در هستی فقط به دستور خداوند است. یا به گفته دانشمند بزرگ (اروین شرودینگر)^{۲۹} ۱۸۸۷-۱۹۶۱ که می‌گوید: در ارائه یک مسئله علمی، بازیکن طرف مقابل حاکم است. او نه تنها مسئله را طرح می‌کند بلکه قوانین بازی را ابداع می‌کند. اما این مسائل کاملاً شناخته شده نیستند و نصف آن را باید خودتان کشف کنید. با دقت در این جمله ارزشمند و پر مغز می‌توان فهمید که حاکم همان خداست که همه کارهای عالم در دست اوست و ما فقط باید تلاش کنیم تا به خواسته هایمان برسیم. وقتی ما می‌خواهیم از یک مسئله با استفاده از اینترنت سردرپیوریم و آن را جستجو کنیم اینترنت آن را فوراً به ما می‌رساند و هم‌زمان میلیاردها موضوع دیگر را برای دیگران در سراسر جهان می‌فرستد و هیچ تداخل و مشکلی هم به وجود نمی‌آید. واقعاً عجیب نیست؟ خدا در آسمان است در زمین است در اعماق اقیانوس هاست، در همه چیز و همه جا می‌توان حضور خداوند را دید. بدون وجود این چنین مهربان و ارزشمند و پر قدرتی، زمین حتی برای چند ثانیه هم نمی‌تواند دوام بیاورد چه برسد به اینکه این چنین معجزات حیرت‌آوری را به وجود آورد. این لطف و خواست و اراده و قدرت خداست که باعث زندگی در تمام عالم گیتی شده است. به گفته فیلسوف مشهور (جی پی واسوانی)^{۳۰} که می‌گوید: انسان به واسطه

^{۲۹}- اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ

^{۳۰}- کتب خدا با توسل ترجمه نوشین حمیرا

ضربان قلبش زنده نیست، بلکه او به لطف و خواست خدا زنده است. از این جمله می توان فهمید که مرگ طبیعی در دستان خداست، و گرنه خودکشی یا بی احتیاطی یا موارد دیگر مرگ باعث آن خود انسان است، هر چند باز هم خدا خیلی کمک می کند.

در تمام علم های دنیا، مثلاً نجوم و فضا و هزاران علم دیگر اگر دقیق و تخصصی تحقیق کنیم و به جزئیات آنها دقت کنیم می فهمیم چقدر این علوم پیچیده و سحرانگیز می باشند، که علم ناچیز بشر قابل به توضیح همه چیز نیست و چه کسی می تواند هم زمان این همه علم را به وجود بیاورد و مدیریت کند؟ خدا را در اعماق قلبتان دوست داشته باشید و به علم نامحدود و بی کران و عظمت و توانایی اش ایمان داشته باشید و روی این همه معجزه تفکر کنید. مطمئناً خواهید فهمید که خدا چقدر پر قدرت است و هیچ کاری برایش سخت نیست. تمام دانشمندان، فیلسوفان، پزشکان، عارفان، نویسندگان و شاعران بزرگ و ... جهان در تمام قرن ها به وجود خدا و قدرتش ایمان داشته اند و در وصف او نیز جملاتی بسیار با ارزش گفته اند. بزرگان به حدی از خرد رسیده اند که فهمیده اند بدون خدا هیچ علمی سامان نمی گیرد که هیچ اصلاً زندگی وجود نخواهد داشت. به گفته دانشمند بزرگ (ماکس پلانک)^{۳۱} ۱۸۵۸-۱۹۴۷ که می گوید: برای فعالیت در زمینه علم نیاز به اعتقاد خداست. زیرا خدا سرچشمه علم است و در علم ما خدا در تمام تفکرات نهفته است. خدا در مورد علم، یک اساس و مبنا و اوج هر استدلالی است. یا در جایی دیگر می گوید: خداوند همه جا حضور دارد. مقصد دانش و ایمان هر دو به سمت مبارزه با کفر و تعصب و خرافه گرای است.

۳۱- کتاب اثبات خدا ترجمه سیروس عطایی

هر کسی که جداً متعهد به کارهای علمی باشد، تشخیص می دهد که بر سر دروازه ورود به دانش نوشته شده است: شما باید به خدا ایمان داشته باشید. خدا کسی است که دانشمندان واقعی هرگز نمی توانند او را انکار کنند. (پلانک) در دو کتاب با ارزش خود، دانش به کجا می رود؟ و دین و دانش طبیعی، بارها خدا را سرچشمه علم و دانش معرفی کرده است. مثلاً یکی از جمله هایش این است که می گوید: خداوند تاج هر بنای باشکوه در قلمرو علم و دانش و در قلمروی دیگر است. او در جایی دیگر می گوید: انجام کارهای بزرگ در فیزیک و تئوری کوانتوم انقلابی در درک بشر از دنیای اتم هاست. در ادامه می گوید: به عنوان فردی که زندگی ام را وقف دانش کرده ام و آن را در راه مطالعه مواد و اتم ها به سر برده ام، می توانم به شما به عنوان نتیجه تحقیقاتم درباره اتم ها بگویم که وجود خدا، اتم ها و بقای آنها نشأت گرفته از اثر نیرویی است که ذرات اتم را به وسیله ارتعاش نگه می دارد و خرده سیستم منظومه شمسی اتم را دور هم نگاه می دارد. ما باید بپذیریم که پشت این نیرو، اندیشه ای آگاه و با شعور می باشد. این وجود آگاه سرچشمه و مبدأ همه چیز است (کتاب طبیعت مولد). دانشمندان بزرگ، اتم را اول جهان و تمام مولد می دانند. ولی می گویند خداوند اولین اتم را به وجود آورده است و در پی آن مولد جهان به وجود آمده است. (جرالدشرودر) در کتاب اثبات خدا با جرالدشرودر می گوید: انسان ها در یک قالب فکر می کنند، قالبی از زمان، مکان، انرژی و ماده. هر انسانی هرچقدر هم باهوش و خلاق باشد نمی تواند صددرصد این دنیا و رمز و راز آن را درک کند و در واقع هیچ اندیشه ای نمی تواند قدرت خدا را کاملاً درک کند.

شیشه

شیشه حدود ۵۰۰۰ سال پیش به وجود آمده است. از طریق شیشه های طبیعی در منطقه آتش فشانی. شیشه مایع غلیظی است که به طور کامل سفت نمی گردد. شیشه از آهک، ماسه، سیلیس و کربنات سدیم ساخته می شود. ماسه باید کوارتز خالص باشد. از ته نشینی ماسه، شیشه و فعل و انفعالات روی آن، به وجود می آید و ما تا حدودی آن را می بینیم. امروزه ماسه شیشه و کربنات سدیم و سنگ آهک در کوره بالا با دمای 1500° گرم می شود و به حالت مایع درمی آید، سپس شکل دادن و خنک کردن شیشه انجام می شود. البته شیشه مذاب در فیبر نوری در کابل های تلفن نیز استفاده می شود. هم چنین در آندوسکوپی (دیدن داخل بدن) هم استفاده می شود. شیشه ماده ای بسیار پرکاربرد در دنیا است. یعنی واقعاً اگر شیشه نباشد خیلی از کارهای انسان ناقص می ماند و جایگزینی برای آن ندارد. ما به جزئیات تولید شیشه کاری نداریم که علم و شرایطش را خدا به انسان آموخته است. سعی می کنیم کلی بگوییم. حالا توجه کنید که چه کسی ماسه شیشه را به وجود آورده است؟ فقط کسی که ماسه شیشه را به وجود آورده می دانسته چه گنجی در این فلسفه وجودی است و علم کشف، ساخت و استفاده آن را به انسان داده است. در خانه، شهر، ماشین، هواپیما و ... شیشه را می بینیم و خیلی برای ما عادی است. در صورتی که یک معجزه جالب و بزرگ است که مراحل به وجود آمدنش از ماسه تا انواع و اقسام شیشه جزئیات پرفراز و نشیبی دارد که در حوصله این کتاب نیست. واقعاً اعجاب انگیز نیست که از مقداری ماسه شیشه به جا مانده از خروجی آتش فشان شیشه به وجود می آید؟ و در تزئینات

ساختمان ها، در ماشین، در علم پزشکی، در منازل و وسایل تزئینی و کاربردی پرنقش و غیرقابل انکار دارد. شما به شیشه یک بانک بزرگ نگاه کنید و با خود تفکر کنید که از مقداری ماسه چگونه این چیز عجیب و پرکاربرد و زیبا به وجود آمده است؟ این معجزه ای است که خدا علم کشف و ساخت و استفاده از آن را به ما داده است و خدا بسیار زیبا و با سلیقه است و زیبایی و ظرافت را دوست دارد. به گفته دانشمند بزرگ (لوکو ردینز)^{۳۲} خدا همان نور زیباست که اشعه جاودانی اش در تمام کائنات است و آن‌ها را مدد و حیات می بخشد. یا به گفته نویسنده سرشناس (آنتونی رابینز)^{۳۳} اگر بگوییم خدایی وجود ندارد مانند آن است که بگوییم فرهنگ لغت در اثر انفجار چاپخانه به وجود آمده است! دانشمندان معروفی مثل (پول دیویس و فردریک هوپل) به شدت مخالف نظریه به وجود آمدن شانس و تصادفی عالم می باشند و اثبات پدیده های طبیعی برای دانشمندان و عالمان واقعی فقط با قبول داشتن وجود خدا پذیرفته می شود.

آهن

بزرگترین عنصر کره زمین آهن است. اولین نشانه های استفاده از آهن به زمان سومریان و مصریان برمی گردد. در ۴۰۰۰ سال پیش قبل از میلاد با آهن کشف شده از شهاب سنگ ها اقلام کوچکی مثل سرنیزه و زیورآلات می ساختند و سپس مذاب آهن را یاد گرفتند. تنها در تشریفات از آهن استفاده می شد و آهن، فلزی گران بهاتر و باارزش تر از طلا بود. آهن از سنگ معدن هماتیت استخراج می گردد. در دمای ۲۰۰۰ درجه برای تولید ۵۷۲ میلیون تن آهن خام

^{۳۲}- اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما
^{۳۳}- رابینز موفق ترین، مشهورترین و پرطرفدارترین نویسنده و سخنران انگیزشی در جهان است. کتاب به سوی کامیابی ترجمه مهدی کرمانی

۱۱۰۰۰ میلیون سنگ آهک نیاز است. اگر خداوند آهن را در دل سنگ جا نمی داد آیا این کالای پرمصرف و دیگر مشتقاتی که زندگی امروز بدون آن غیرممکن است، به وجود می آمد؟ چه کسی شهاب سنگ را به طرف زمین فرستاد؟ چه کسی فرمول و قواعد به دست آوردن آهن از دیگر سنگ ها را به انسان آموخت؟ وجداناً اگر خدا این علم را به انسان یاد نمی داد چگونه کسی می فهمید این سنگ به خصوص دارای چیز باارزشی در درون خود است؟ همه می گفتند این سنگ، سنگ معمولی ست مگر چه چیزی در آن هست؟ اگر هم چیزی می یافتند فکر می کردند یک سری ناخالصی بیهوده و به دردخور است. مشتقات به دست آمده از آهن بسیار زیاد و پرمصرفند که علم استفاده از آنها نیز نشأت گرفته از علم پروردگار است که به بندگانش هدیه کرده است. ولی متأسفانه توجه ما به سرچشمه اصلی تمام علوم و تکنولوژی ها نیست و به دلیل روزمره بودن این تکنولوژی ها عادی به نظر می رسد. ولی انسان دانا، در پی حقیقت است. انسانی که متفکر است، انسانی که پشت ظاهر تمام چیزهای عالم یک وجود پرمعنی و قدرتمند را می بیند که فقط با خواست و علم او چیزی به وجود می آید و می شود از آن استفاده کرد. آهن یکی از معجزات خداوند است. در اطراف ما آهن و مشتقات پرکاربردش مثل مس، آلومینیوم و ... است که متأسفانه کمتر کسی به باطن وجودی آنها فکر می کند. از دست کاری آهن و حرارت دادن های متنوع آن، خیلی از شبه آهن های پر کاربرد به وجود می آیند. به این تیرهای آهن بلند و بزرگ، ساده نگاه نکنید و بدانید این چیزی که شما در حال حاضر می بینید، علم به وجود آوردنش یک معجزه و از دیگر الطاف بی شمار خداوند است. نظام هستی دلالت بر وجود خالقی

دارد که هستی را از نیستی آفرید. خلقتش را با دقت نظم بخشید و علم استفاده از معجزاتش را به انسان آموخت.

ولی صد حیف و افسوس که ما انسان‌ها بسیار ناشکر هستیم. به قول دانشمند بزرگ (پروفسور پاول) که می‌گوید: بسیار سخت است که عقل مدرکی را انکار کند که بنای این هستی را آفرید و مبتنی بر محاسبات دقیق و حساس است. این مخلوقات بسیار دقیق در اصل موازنات هستی وجود دارد و دلیل بسیار قوی بر وجود تصمیمی در ضمن هستی است. ساده بگوییم خدا بهترین و بزرگ‌ترین ریاضیدان عالم است، زیرا خدا عالم را براساس ریاضیات فوق پیشرفته که ما قدرت درکش را نداریم آفریده است. ستاره‌شناس معروف (فرد هویل)^{۳۴} می‌گوید: شکی نیست که نظامی دقیق در نتیجه بینگ بنگ (انفجار شروع هستی) رخ داده است. پس دخالتی ماورائی در این انفجار وجود داشته است و پس از آن زمین بسیار شگفت انگیز ما را به وجود آورده است. سیاره ای که مناسب زیستن است و غیرممکن است که همه شرایط لازم برای قابل حیات بودن سیاره ما در نتیجه تصادف پراکنده و شانسی به وجود آمده باشد. به هر صورت در نتیجه گیری کلی آهن باید گفت، در قرآن آمده است که خداوند فرمود: همانا ما آهن را فرستادیم. از نظر علمی وقتی که زمین یک گوی مذاب بوده است یک سیارک آهنی بسیار بزرگ به زمین برخورد کرده و باعث شده آن سیارک گرمی زمین را بچشد و به طور کامل ذوب شده و وارد هسته زمین شود که پوسته پوسته شده و آهن بر روی زمین تشکیل شده است. در اختر فیزیک کشف مهمی وجود

۳۴- هرچند فرد هویل به خدا اعتقاد نداشت ولی به یک نیروی ماورائی قدرتمند که به وجود آورنده تمام جهان است اعتقاد شدید داشت. در نظر او آن نیروی ماورائی، نامعلوم ولی در نظر خداپاوران آن نیرو نامعلوم نیست بلکه معلوم است و او خداست. هرچند در اواخر عمر آن نیرو را تلویحاً خدا خواند.

دارد که ثابت شده است این کشف دلیل قوی اثبات خداوند است به این گونه که می گوید: جهان ما در حال انبساط و تورم است و تا ابد ادامه خواهد داشت. طبق این روند، معلوم می شود که این جهان همیشه در حال تورم، در واقع شروعی داشته است و در یک زمان و مکان خاص روی داده است.

موسیقی

به قول ابوعلی سینا، موسیقی صدای خداست. رموز و عجایب اسرارآمیز و سحرانگیزی در موسیقی وجود دارد که اگر دقت کنید حیرت زده می شوید. کسانی که موسیقی را حرفه ای دنبال می کنند می دانند که موسیقی در تمام جهان از یک قاعده مشترک پیروی می کند و از این قاعده مشترک میلیون ها آهنگ مختلف به دست می آید که با هم تفاوت دارند. از هر دستگاه موسیقی هزاران هزار آهنگ به دست می آید که هر کدام رنگ و بوی خاص خود را دارند. موسیقی صفای روح و روان است. بدون موسیقی دنیا قشنگ نیست. این همه ساز مختلف در سراسر جهان از یک فلسفه خاص پیروی می کنند. این همه تنوع و زیبایی را فقط کسی می تواند خلق کرده باشد که خودش بسیار هنرمند و خوش سلیقه باشد. زیبایی و دلنشینی موسیقی را فقط خدایی که زیبایی را دوست دارد می تواند خلق کرده باشد. چرا هر سازی صدای خاص خودش را دارد؟ مثلاً چرا کمانچه صدایش با گیتار فرق دارد؟ در صورتی که فلسفه وجودی مشترک دارند. می گویند اولین ساز از انعطاف نخ باریک از پوست درخت به وجود آمده است که اتفاقی کشف شده است. شاید اولین ساز جهان را حضرت آدم به عشق خدا و حوا و دستور و راهنمایی خدا

ساخته است. برخی نیز می گویند، بشر با معتقدات نجومی ساز و کار موسیقی را پدید آورده است. موسیقی هرطور که کشف شده و هرطور که خدا علم استفاده آن را به ما داده است واقعاً جادویی و شگفت انگیز است. هیچ کس جز خدا نمی توانسته چیزی بدین خوبی و زیبایی پدید آورد. در آسمان ها فرشتگان با رقص و موسیقی و آواز مشغول ستایش و عشق به خداوند هستند. موسیقی مقدس است. موسیقی همان صدای عشق است. موسیقی مونس تنهایی ها و شادی هاست. هم در غم و هم در شادی موسیقی باید وجود داشته باشد. اصلاً نمی شود قدرت اعجاب انگیز موسیقی را دست کم گرفت. قدرتی که از قدرت پروردگار نشأت می گیرد. قدرت جادویی و آرامش بخش. هیچکس در دنیا نمی تواند تأثیر سحرانگیز بودن موسیقی را انکار کند. زیبایی بزرگ باعث خلق زیبایی های کوچک تر می شود. خدا حتماً زیباست که این همه زیبایی غیر قابل شمارش خلق کرده است که موسیقی هم یکی از آنهاست. یکی از مهم ترین زیبایی ها. (محمد غزالی) شاعر بزرگ ایرانی می گوید: حمد و ستایش که از عطر یک گل می کنی در واقع آن سپاس مخصوص پروردگار است. گل جلوه ای از سلیقه خداست. یکی از نشانه ها و مظاهر خداست و تو اسم گل را بر آن نهاده ای. زیر ظاهر این اسم و در باطنش خدا پنهان است. اسم را بردار غیر از خدا، چیزی نیست. او خرد را فرستاده و می دانسته که هرکسی از آن بهره بگیرد حقیقت را می فهمد، نه ترس از دوزخ. در واقع پشت تمام آنچه که در هستی وجود دارد، چه طبیعی چه ساخت دست بشر وجود خدا حضور دارد. فیلسوف بزرگ (اسپینوزا)^{۳۵} می گوید: همه

۳۵- او ایمان به خدا را عشق عقلانی به خدا می داشت نه ازوماً احکام مذهبی. در کتاب اخلاق ترجمه جهانگیری و در چند رساله از او به ترجمه سعادت شرح اصول فلسفه دکارت و تفکرات ماورای طبیعی

چیزهای جهان فقط یکی هستند، زیرا حضور خدا در تمام کائنات جاری است. همان گونه که با تابش نور رنگ ظاهر می شود و می توان رنگ های مختلف را دید هنگامی که خدا وجود را به اشیاء می بخشد، آنها در جهان ظهور می کنند. در واقع خدا همان نور است که اگر نباشد هیچ چیز در جهان وجود ندارد. به نظر عارفان از کران تا کران هستی خدا در همه چیز تجلی و حضور دارد.

پایان تکنولوژی ها

ما لحظه به لحظه به خدا نیازمندیم. هیچ کسی از چند دقیقه بعد خود خبر ندارد. نباید فقط در هنگام پریشانی یاد خدا افتاد. باید همیشه خدا را در کنار خودمان حس کنیم و بدانیم که او نظاره گر ماست. پس عشقش را در قلبتان حکم فرما کنید. بگذارید او راه زندگی تان را نشان دهد. خدا چیز زیادی از بندگانش نمی خواهد، فقط ۲ چیز می خواهد: اول، ایمان قلبی. دوم، انسانیت. دین ما نتیجه گیری از تمام کتاب ها و ادیان آسمانی است. ایمان قلبی به خدا باعث می شود که ما نخواهیم برخلاف انسانیت کاری انجام دهیم. خداوند عاشق شاد بودن بندگانش است، کسانی که شادی و سرخوشی را بد می بینند مطمئن باشید از خدا دور هستند. خدا از ما نمی خواهد بر سر خود بزنیم. خدا نمی خواهد ما غمگین باشیم. بالعکس، خدا دوست دارد ما شاد و پر انرژی زندگی کنیم و به یکدیگر کمک کنیم. یکدیگر را دوست داشته باشیم. خدا بسیار بزرگ و مهربان است. همه چیز زندگی تان را می داند و از دل شما خبر دارد. به او عشق بورزید، به او ایمان قلبی داشته باشید. فقط او را پرستش کنید نه بندگان او را، تا لطفش را در سراسر زندگی تان ببینید؛

با صبر و امید. هیچ ثروتی بالاتر از ثروت عشق به خدا نیست. بگذارید همیشه ثروتمند باشید. ایمان قلبی به خدا سرآغاز تمام خوبی‌هاست که باعث می‌شود شما بی بهانه به دیگران مهربانی کنید. هر کس قلبش را مملو از عشق به خدا کند هیچ وقت نمی‌تواند برخلاف انسانیت کاری انجام دهد. منظور از عشق قلبی به خدا، با شعار و حرف و ... نیست. خدا را دوست داشته باشید به خاطر لطف‌ها و مهربانی‌هایش، به خاطر عظمتش، به خاطر علم بی‌پایانش، به خاطر قدرت فراوانش، به خاطر ارزشمندبودنش، به خاطر همه خوبی‌هایش که در یک کتاب که هیچ، در هزاران- کتاب هم نمی‌شود آن‌ها را نوشت (سهراب سپهری) چه زیبا می‌گوید: خدا در دستی است که به یاری می‌گیری، در قلبی است که شاد می‌کنی، در لبخندی است که به لب می‌نشانی، خدا در عطر خوش نانی است که به دیگران می‌دهی و جشن و سروری است که برای دیگران به پا می‌کنی. آن‌جاست که عهد می‌بندی و عمل می‌کنی. خدا در تو و با تو و برای توست. بعضی افراد فکر می‌کنند که خیلی می‌دانند، در صورتی که اشتباه فکر می‌کنند. فقط خداست که خیلی می‌داند و آن‌ها فقط ذره‌ای می‌دانند.

دانشمند بزرگ (بنجامین فرانکلین)^{۳۶} می‌گوید: درب ورودی به معبد خرد، شناخت و فهمیدن جهل خود است. طبق تحقیقی که توسط (مرکز تحقیقات پیو) برای کل مردم در سال ۲۰۰۹ صورت گرفت، ۹۵٪ انسان‌ها به خدا اعتقاد داشتند و در تحقیق دیگر بین تمام دانشمندان سرشناس آمریکا نیز ۹۰٪ به خدا اعتقاد داشتند. تحقیقات اول پیو، برای کل جهان استفاده از تحقیقات پیشرفته علمی و گروه آمارگیری بود نه تک تک مردم جهان.

^{۳۶}- کتاب بنجامین فرانکلین نویسنده اندرو سانتلا و هاوگن ترجمه حسین طجری

(گالیه) می گوید: خداوند این قدرت را دارد که کاری برای ما انجام ندهد و ما این قدرت را نداریم که از خدا به زور نعمت هایش را بگیریم (۱۵۶۴-۱۶۴۲). خدا به قدری مهربان است که قبل از درخواست ما کارهای زیادی برای ما انجام داده است، ولی متأسفانه بیشتر انسان ها قدرشناس تک یگانه عالم نیستند. ای کاش این گونه نبود و همه مردم جهان می فهمیدند که خدا چقدر توانا و مهربان است.

(دکارت)^{۳۷} پدر علم فلسفه جدید جهان می گوید: اعتقاد به خدا فلسفه فلسفه من است. به گفته این فیلسوف بزرگ و سرشناس، پس از سال ها علم اندوزی و فلسفه باید دقت کرد.

(مایکل فارادی)^{۳۸} که «اختراع کامپیوتر، تلفن و ارتباطات» از کارها و تحقیقات او نشأت می-گیرد، می گوید: کسانی که حق پذیر باشند، اگر حرف حقی بشنوند می پذیرند. ولی اگر حق پذیر نباشند دنبال هزاران بهانه پوچ و بی اساس برای انکار هستند. من خیلی متعجب می شوم وقتی یک تابلوی نقاشی زیبا را کسی ببیند و به نقاش و خالق آن نیندیشد و بگوید این تصادفی به وجود آمده است. حالا در مورد خدا و عالم هستی هرگز کسی این را نمی گوید، ولی نمی دانم چرا این بی کران هستی را که میلیاردها برابر بزرگ تر و پیچیده تر و سحرآمیزتر از یک تابلوی نقاشی است را می گویند تصادفی به وجود آمده است و خالقی ندارد!!

اکثریت دانشمندان انواع علوم، خداپرست هستند و طرفداران ماتریالیسم (مادی گرا) در میان آنها در اقلیت است. دانشمند (هرشل)^{۳۹} می گوید: هر قدر دایره علم وسیع تر می گردد دلایل قوی تری

^{۳۷}- کتاب جوهرهای سه گانه دکارت

^{۳۸}- کتاب مایکل فارادی سایت کتاب سبز ترجمه مهین محتاج

^{۳۹}- ستاره شناس کاشف اعماق آسمان ها (در کتاب ساختار آسمان)

برای وجود خداوند ازلی و ابدی به دست می آید. در ادامه می گوید: تمام علمای بزرگ زمین شناسی، ریاضیدان ها، دانشمندان فلکی و طبیعی، فیلسوف ها و دانشمندان علوم دیگر دست به دست هم داده اند تا کاخ علم با عظمت خدا را بسازند. چهره سرشناس (رابرت موریس) می گوید: کسی که به طور جدی و از دل و جان برای برقراری رابطه اش با خدا اقدام کند دیگر هیچ جای شکی در ذهن او نمی ماند و او هر روز به حقیقت نزدیک تر می شود. از گفته این دانشمند می توان این گونه نتیجه گرفت که هر کس بدون تعصب و پیش داوری قلب و ذهن خود را از روی ارادت به خداوند واگذار کند، خداوند حتماً راه درست و حقیقت را به او خواهد آموخت.

(مونت نل)^{۴۰} دانشمند می گوید: اهمیت علوم طبیعی از این جهت است که عقل ما را به اندازه ای بالا می برد که عظمت خدا را درک کنیم و ما را به احساسات اعجاب و شکوه خداوند زینت دهد.

دانشمند معروف (دونالد هانری پورتر)^{۴۱} می گوید: خلقت، به هر صورتی که به وجود آمده است به دست خالق بوده و وجود خدای متعال پایه و اساس هر فریضه است و جواب سؤالاتی که تاکنون علم قادر به پاسخش نبوده، فقط یک کلمه است فقط یک کلمه است و آن کلمه خداست.

(ادوارد لوتر کیسل)^{۴۲} دانشمند و فیلسوف بزرگ می گوید: در سال های اخیر در نتیجه مطالعات علمی، دلایل علمی و فلسفی برای اثبات وجود خدا به دست آمده است که دلایل فلسفی و

^{۴۰}- دایره المعارف مونت نل

^{۴۱}- در یک جمله بسیار مشهور کتاب آفریدگار جهان

^{۴۲}- اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

ماورای علمی سابق وجود خداوند را تأیید و تقویت می کند. البته دلایل گذشته برای ایمان به خدا کافی بود و برای کسی که تعصب را کنار می گذاشت کاملاً روشن بود. من به عنوان یک شخص یکتاپرست، از اضافه شدن مدرک جدید برای اثبات خداوند، به دو دلیل خشنودم. نخست اینکه دلایل جدید، از صفات خداوند مفاهیم بسیار روشنی ارائه می کند. دیگر اینکه چشم عده ای از دانشمندان با وجدان و انعطاف پذیر و غیر متعصب را باز کرده است و آن ها را مجبور می کند به خدا ایمان بیاورند. خلاصه بگویم؛ دلایل فلسفی و علمی و ماورای علمی جدید، وجود آفریدگار را بیش از پیش برای آن ها که اندیشه می کنند و هم چنین تمام انسان ها تثبیت می کند. فیلسوف بزرگ (لامنه) می گوید: کلمه ای که در انکار خالق گفته شود لب گوینده را خواهد سوزاند.

دانشمند (پرودون): خدا آن حقیقتی است که به ادراک وصف نمی گنجد، ولی با وجود این وجودش ضروری و غیرقابل انکار است.

دانشمند (والتر اسکارلندبرگ)^{۴۳} می گوید: ایمان به خدا مایه مسرت و روشنی قلب هر انسان است. اما دانشمندانی که علاوه بر دلایل روحانی، دلایل علمی برای اثبات پروردگار می آورند مسرت بیشتری نصیبشان می شود.

دانشمند بزرگ (مارلین بوکس کریدر)^{۴۴} می گوید: بشر، با هوش و استعداد محدودش نمی تواند خیلی از موضوعات را توضیح دهد.

^{۴۳} - اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما
^{۴۴} - اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

در هر سلول بدن ما یک کد دستورالعمل با جزئیات کامل وجود دارد. مانند یک برنامه کامپیوتری فوق پیشرفته که از ۰ و ۱ ایجاد شده است. مانند ۱۱۰۰۱۰۱۰۱۱۰۰ و به کامپیوتر می گویند، روشی که آن‌ها کنار هم گذشته می شوند پر کند و این نیز در بدن اعجاب انگیز ما و تمام جانداران دیگر وجود دارد.

کد DNA بدن ما در هر یک از سلول های ما وجود دارد. یعنی ما میلیون ها کامپیوتر کوچک ولی بسیار پیچیده و پر قدرت در بدن داریم! DNA مشخص می کند که برنامه ها چگونه کنار هم چیده شوند. DNA از ۴ ماده شیمیایی: A- T- G- C به وجود می آید. سه میلیارد از این مواد شیمیایی در هر سلول ما وجود دارد. یعنی چند کامپیوتر کوچک زیر نظر کامپیوتر اصلی و بزرگ و سه میلیارد برنامه وجود دارد. واقعاً تحسین برانگیز و شگفت آور است. خداوندا چگونه می شود کسی منکر وجود تو شود؟ آیا این همه نشانه را نمی بینید؟ آیا می شود این همه چیز اعجاب انگیز اتفاقی شکل گیرند؟! با عقل سالم جور درمی آید؟

DNA، یک برنامه سه میلیارد کلمه ای است که به سلول می گوید چگونه عمل کند؟

هر انسان سالم و عاقلی حتماً می داند و قبول دارد که پشت این همه نظم و قدرت عجیب و خارق العاده باید کسی حضور داشته باشد. کسی که شعور و علم و قدرتش هزاران برابر بیشتر از بقیه است. از جنبه دیگری از قدرت خدا بگوییم، تمام کهکشان ها در حال حرکت هستند و به طور مداوم جایگاه آن ها نسبت به هم تغییر پیدا می کند. این حرکت از یک الگوی کاملاً منحصر به فرد پیروی می کند. نتیجه آن، این است که با سپری شدن هر یک روز، فاصله کهکشان ها از

یکدیگر بیشتر می شود. ما در عالمی زندگی می کنیم که با گذشت هر یک روز بزرگ تر می شود. به گفته دانشمندان تمام کهکشان ها در آغاز در یک جا بوده اند و به طور روزانه فاصله آن ها از هم بیشتر و بیشتر شده است. این موضوع را دانشمندان فلسفه یگانگی می گویند. پس کسی وجود داشته است که شروع کننده اول باشد و الگوی حرکت آن ها را تنظیم کند. مسئله را ریزتر می کنیم، در کهکشان راه شیری بیش از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ستاره وجود دارد که خورشید یکی از ستاره های متوسط مایل به کوچک در این کهکشان است. هر قدر تلسکوپ های نجومی عظیم تر و پیشرفته تر و مجهزتر می شوند، بشر کهکشان های تازه ای کشف می کند. در علم نجوم مسائل بسیار شگفت انگیز و عجیب هستند و اگر بخواهیم همه را ریز کنیم و توضیح بدهیم در حوصله این کتاب نیست، ولی کلیات را شرح می دهیم و در صورت علاقه خواننده به بحث ها و جزئیات علم نجوم می تواند از طریق اینترنت یا کتاب های در مورد نجوم، اطلاعات خود را بالا ببرد. از یک مسئله دیگر به قدرت خدا پردازیم. مثلاً به نظر شما چرا زمین قابل سکونت است و دیگر سیاره ها، نه! اگر هوای محیط زمین اندکی از آنچه که هست رقیق تر می بود، اجرام سماوی و شهاب ها دائماً با سطح زمین برخورد می کردند، به گونه ای که زمین غیر قابل زندگی کردن باشد و این همان قانون ترمودینامیک می باشد. زمین قابل سکونت ما میلیاردها دلیل و مدرک دارد که کسی آن را برای زندگی انسان و حیوانات و گیاهان آماده کرده و مدیریت می کند و گرنه چطور می شود این همه دلیل که باعث زندگی در کره زمین می شوند تصادفی به وجود آمده باشد؟ شما شعری زیبا و با مضامینی بسیار عالی و تشبیهات بسیار لطیف را در نظر بگیرید، آیا هیچکس به

خود اجازه می دهد که بگوید، احتمال دارد طفل خردسالی با مدادش صفحه ای را خط خطی کرده باشد و این شعر را پدید آورده باشد؟ وقتی در مورد یک شعر نمی توان حضور خالق و ناظم را نادیده گرفت، آیا امکان دارد جهان هستی با این همه نظم و قدرت و پیوستگی های غیرقابل باور به صورت شانس به وجود آمده باشد؟ (نوریس کلارک)^{۴۵} فیلسوف و دانشمند متافیزیک می گوید: هر اتم هیدروژن در جهان باید با هر اتم اکسیژن به نسبت ۲ به ۱ ترکیب شود و ظرفیت شیمیایی تمام عناصر اصلی جهان به همین قرار است. همه ذرات دارای جرم با توجه به نسبت ثابت قانون گرانش به یکدیگر پیوسته و وابسته می باشند. حدود ۱۰۰ میلیارد کهکشان در جهان هستی وجود دارد که هر یک از آن ها ۱۰ میلیون تا ۱۰ تریلیون ستاره را در خود گنجانده اند. در واقع در جهان هستی مقادیر عظیمی از ماده مرئی وجود دارد که انسان، قادر به مشاهده ۲٪ آن است. سرعت نور در خلأ ۲۰۰ هزار کیلومتر است. فاصله نزدیک ترین همتای ما عددی برابر با $۱۰^{۲۸}$ است که محاسبه آن در علم فیزیک و ریاضیات، از عدد یک ۱ و ده میلیارد میلیارد میلیارد به دست می آید. دانشمند کیهان شناس فیزیک (مارکوس چاون) می گوید: کره زمین با سرعت $۱/۶۰۰$ کیلومتر بر ساعت دور خود می چرخد و با سرعت $۱۰۶/۰۰۰$ کیلومتر بر ساعت به دور خورشید می چرخد، چرا ما متوجه نمی شویم چه کسی این کار فوق العاده و غیرقابل باور را انجام می دهد؟

^{۴۵} - یکی از مقالات علمی نوریس کلارک

(فرانک آلن)^{۴۶} استاد فیزیک زیستی: حدود ۹۲ عنصر شیمیایی در زمین وجود دارد که تمام آن‌ها با ترکیب‌های بسیار پیچیده به هم ربط پیدا می‌کنند، هزاران ترکیب لازم و ضروری برای زندگی در سطح.

اگر بخواهیم تا حدودی این داستان را ریز کنیم، وقتی که سن دنیای ما ۵ دقیقه بود حرارت آن از یک بلیون درجه بیشتر بود! و در نتیجه این حرارت پروتون- الکترون- نوترون وجود داشته و عناصر مختلف وجود نداشته است و بعد از انفجار بزرگ که آن را شروع جهان می‌گویند، در عرض ۳۰ دقیقه تمام عناصر شیمیایی به وجود آمده‌اند. این داستان بسیار خلاصه و کلی است، فقط برای آگاهی خوانندگان. این داستان واقعی را خداوند خلق کرده و حرارت و نیروی لازم را به آن داده است. دانشمند فیزیک زیستی (پول کلارنس ابرسولد)^{۴۷} می‌گوید: در ابتدای تحقیقات علمی خود من به قدری شیفته روش‌های علمی بودم که یقین داشتم علم روزی همه چیز را کشف خواهد کرد و اسرار تمام پدیده‌ها را فاش خواهد ساخت حتی اصل حیات را. ولی هر قدر بیشتر تحلیل و تحقیق و مطالعه کردم، در مورد همه چیز از اتم گرفته تا کیهانشان و از میکروب تا انسان و هزاران تحقیق و مطالعه علمی درباره ماهیت دنیا و کائنات آن، خیلی چیزهای زیادی متوجه شدم که علم ناتوان‌تر از آن است که عدم وجود خدا را ثابت کند و وجود نداشتن خدا محال است. وجود نداشتن خدا یک توهم خطرناک است که انسان را از خرد و حقیقت دور می‌کند. علم می‌تواند با موفقیت، کیفیت و کمیت اشیاء و طبیعت را بیان کند ولی بیان علت وجود

^{۴۶} - مقاله دو دلیل بر وجود خدا اثر آلن ترجمه احمد آرام و آغاز جهان نقشه، هدف یا تصادف ترجمه محمدحسین بهجتی
^{۴۷} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ معاصر

اشیاء و علت خواص آنها با علم مقدر نیست. علوم و عقول بشری نمی‌توانند بگویند اتم‌ها، کیهان‌ها، روح و انسان و خیلی چیزهای دیگر از کجا آمده‌اند. علم، برای ابتدای عالم می‌تواند فرضیه انفجار را بیان کند، ولی نمی‌تواند بگوید نیرو و علم هدایت و مدیریت این انفجار از کجا آمده است. هر عقل سلیمی انسان را به طرف وجود خداوند سوق می‌دهد. پروفیسور (ادموند کارل)^{۴۸} استاد شیمی می‌گوید: من عقیده راسخ دارم که نیرویی خارج از جهان و داخل جهان وجود دارد که نسبت به این جهان برتری دارد. نیرویی که جهان را خلق کرده و نگهداری می‌کند. درهای یک ماشین ساده ساخت بشری هم طراح و سازنده لازم دارد؛ لذا چگونه ممکن است که مخلوقاتی هزاران برابر پیچیده تر و شگفت‌انگیزتر، بدون سازنده و طراح خودبه‌خود به وجود آیند؟ فیزیک دان نظری (پروفیسور پاول)^{۴۹} تحقیقاتی در زمینه سرعت پراکنده شدن هستی انجام داد و فهمید این سرعت به اندازه‌ای دقیق است که عقل انسان قدرت باور آن را ندارد. وی می‌گوید: محاسبات نشان می‌دهد که سرعت گسترده شدن هستی به نحوی است که اگر گسترده شدن هستی آهسته تر از سرعت فعلی آن بود به سمت خرابی داخلی در نتیجه جاذبه می‌رفت و اگر سرعت آن از سرعت فعلی بیشتر بود عالم منفجر می‌شد. اگر سرعت انفجار از سرعت فعلی به اندازه $\frac{1}{18}$ متفاوت بود. این کافی بود تا توان لازم مختل گردد. ولی انفجار بزرگ انفجاری معمولی نبوده، بلکه کاری حساب شده از تمام جهات و بسیار منظم است. در سال ۲۰۰۴ فیلسوف

^{۴۸} - خدا- آلفا و اومگا اثر ادموند کارول

^{۴۹} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ معاصر نوشته مونسما

انگلیسی سرشناس و شاید معروف ترین خداناباور جهان (آنتونی فلو)^{۵۰} به قدری شجاع بود که قبول کرد سال ها اشتباه فکر کرده است، او پس از بررسی آخرین تحقیقات علمی اعلام کرد که نوع خاصی از هوش برتر باید وجود داشته باشد که این جهان بسیار پیچیده و تحسین برانگیز و عجیب را بتواند خلق و نگهداری کند. (شرودر)^{۵۱} دانشمند بزرگ معاصر در مقالات و کتاب های تخصصی علمی خود بارها به وجود خدا اشاره کرده است. او می گوید: علم هیچ گاه نمی گوید هستی از هیچ به وجود آمده است، زیرا از هیچ هرگز عملی متولد نخواهد شد. او مسئله را ریزتر می کند و می گوید: قدرتی که بعد از تشکیل بدن و اندامها قابلیت زندگی کردن و حیات می دهد، فقط خداست نه هیچ چیز دیگر. در ادامه می گوید: ما به مرحله ای رسیده ایم که می توانیم هر عضوی از بدن را به طور مصنوعی پیوند بزنیم، ولی اگر همه دانشمندان دنیا در طول تاریخ بشریت در یک جا جمع شوند نمی توانند به آن روح و زندگی اعطا کنند. ما نمی توانیم به بدن حیات اعطا کنیم و به همین دلیل بعد از مرگ هیچ دانشمندی یا قدرتی یا دارویی قادر به زنده کردن آن نیست. آیا این برای خردمندان نشانه روشنی از وجود خدا نیست؟

(پروفسور اسپیتز) در کتاب اثبات وجود خدا به کمک علم می گوید: در طبیعتی با چنین قواعد دقیقی، بی نظمی معنا ندارد. در اختر فیزیک کشف مهمی وجود دارد که ثابت می کند جهان روزی در یک نقطه متمرکز بوده و در واقع شروع در زمان داشته و از یک زمان و مکان خاص آغاز شده است. طبق قانون نسبیّت عام انیشتین که در کنار کوانتوم از نظرات بزرگ تاریخ علم

۵۰- کتاب خدا وجود دارد با مقدمه گری هابرماس فیلسوف انتشارات سپیده باوران کتاب خداوند وجود دارد چگونه رسواترین بی خدای جهان فکرش را تغییر داد
۵۱- استاد دانشگاه درحال حاضر در کالج مطالعات یهودی آیش هاتو در اثبات خدا با جرالدرودر و مقدمه افت و خیز کوانتومی جهان از هیچ

جهان هستند که آزمایش های بسیار پیچیده، آن ها را ثابت کرده اند یا تفسیر کپنهاگی مکانیک- کوانتوم هم این قوانین را تأیید می کند. اگر تمام این دلایل علمی را در کنار هم بگذاریم می توان نتیجه گرفت که کائنات توسط یک قدرت ماورائی و فوق طبیعی بسیار باهوش و باشعور به وجود آمده است.

(فرید هویل)^{۵۲} ابتدا از منکران خدا بود، ولی با تمرکز و مطالعات فراوان در این قانون ها نظرش تغییر کرد. او می گوید: یک شعور فوق العاده باهوش و ویژگی های اتم را طراحی کرده است. تفسیر حقایق نشان می دهد که یک ابرشعور یا ابرعقل این جهان را با قوانین فیزیک، ریاضیات، شیمی، زیست شناسی و اخلاق خلق کرده است. چراکه نیروهای تصادفی طبیعت هرگز قادر به انجام چنین کاری نیستند. (نیوتون) در کتاب دائرة المعارف فرید وجدی ج ۱- ص ۴۶۹ نیز می- گوید: درباره آفریدگار جهان هرگز شک نکنید، زیرا معقول نیست که این همه نشانه های بزرگ و کوچک فاقد شعور خلقت باشند. بلکه همه این امور حتماً باید از مبدای سرچشمه گرفته باشد که دارای بالاترین درجه از نظر علم، حکمت، قدرت و اراده ست. به گفته دانشمند معروف (اروین شرودینگر)^{۵۳} فیزیک کوانتوم یگانگی جهان را آشکار می سازد. طبق قانون دوم و سوم ترمودینامیک عقیده خداناباوران که می گوید: ماده انرژی ابدی است!!! به دلایل فیزیکی مردود اعلام می شود. خداناباوران می گویند، ماده همواره وجود داشته و خلق نشده اگر ماده آغازی هم داشته اما هیچ عقلی در ورای آن وجود نداشته، تنها می توان به این نتیجه رسید که یک چیزی از

^{۵۲}- ستاره شناس انگلیسی کتاب جهان هوشمند

^{۵۳}- کتاب زندگی چیست اروین شرودینگر آتئیست نبود ولی مسیحیت را قبول نداشت و ادیان هندی را قبول داشت.

هیچ به وجود آمده است. به این معنی که یک فضای خالی بدون هیچ قدرت، ماده و انرژی و هیچ گونه دانایی و ادراکی به وجود آمده است! و این فضای خالی خود به خود ایجاد شده است. جهان ما که تمام وجود آن دقت و نظم است آیا عاقلانه به نظر می رسد اگر بخواهیم این مسئله را قبول کنیم که چیزی از هیچ به وجود آید؟ آن وقت تمام قوانین علمی که مربوط به بقاء ماده و انرژی می شوند زیر سوال می روند و اساساً باید گفت علم شیمی باطل است. قانون بقاء تکانه ها زیر سؤال رفته و علم فیزیک ناصحیح می شود. تمام روابط الکترونیکی از بین می رود و علم الکترونیک باطل خواهد شد و تمام علوم جهان زیر سؤال می روند. برای قبول این امر که پیدایش ماده دارای هیچ گونه عقلی نباشد، باید تمام قوانین و اصول دانش و علوم مختلف را دور ریخته و یک خط بطلان بزرگ بر روی آن کشید. هیچ انسان منطقی برای حفظ دیدگاه انکارانه خود در مورد خداوند این کار را انجام نمی دهد، زیرا نمی تواند.

نوشته های کتب آسمانی که مبنی بر وجود ازلی می باشند، به طور جدی از طریق دلایل و مستندهای علمی قابل حمایت می باشند. دانشمندان بزرگی مثل (پول دیویس) (فردریک هویل) و خیلی از دانشمندان با شعور دیگر به شدت مخالف نظریه به وجود آمدن شانسی و تصادفی عالم و اثبات پدیده های طبیعی از روی اتفاق، هستند که به هیچ وجه با عقل و علم جور در نمی آید. یکی از قوانین بنیادین دانش امروزی نظریه اصل پیدایش انسان می باشد. با استناد به این اصل، وجود هرگونه شانس یا تصادفی حتی در پیدایش کوچک ترین ذرات و اتم ها از نظر علم غیر قابل قبول است، چه برسد به پیدایش انسان. مغز انسان بیش از یک میلیون پیام را در ثانیه منتقل می کند. مغز

اهمیت این اطلاعات را می‌سنجد و اطلاعات غیرضروری را جدا می‌کند، درحالی‌که همزمان دمای هوای شما، فشار گام‌های شما بر روی زمین، صداهای اطراف، تشنگی یا گرسنگی، احساسات شما، پردازش افکار و خاطرات شما، الگوی تنفس، حرکت پلک و ... را انجام می‌دهد. کارایی‌های مغز، غیر قابل‌شمارش و بسیار حیرت‌انگیزند که اگر بخواهیم وارد جزئیات شویم، توضیح آن‌ها در یک کتاب نمی‌گنجد. پس ما به کلیت اکتفا می‌کنیم. انصافاً چیزی که انقدر پیشرفته و قدرتمند است از روی شانس به وجود آمده؟ مغزشگفتی‌های بسیار عجیب و غیرقابل باوری دارد که انسان متفکر را متقاعد می‌سازد که این همه توانایی و پیچیدگی فقط توسط کسی با قدرت ماورائی می‌تواند به وجود آمده باشد. یا مثلاً چشم‌ها ۷ میلیون رنگ را تشخیص می‌دهند و همزمان ۱/۵ میلیون پیام به مغز ارسال می‌کنند. مغز یک معجزه الهی و غیرقابل ساخت توسط انسان است. معجزه رویدادی است که تنها توضیح کافی برایش، مداخله خارق‌العاده و مستقیم خداوند است.

(دکتر ایبن‌الکساندرسوم) استاد دانشگاه هاروارد در مغز و اعصاب، می‌گوید: در تحقیقات بلند درک علوم اعصاب همان علمی که اگرچه ارزش و علم بشری به دست آورده‌های زیادی در این حوزه رسیده است، اما هنوز هم در بسیاری از مسائل و جزئیات مغز عجیب‌ها، دانش نتوانسته توضیح خاصی بدهد. یک مثال کوچک ولی در عین حال مهم را برای شما می‌شکافیم، علم می‌گوید برای یک لبخند به ظاهر ساده باید چند قسمت از بدن به مدیریت مغز همزمان کارشان را درست انجام دهند تا لبخند به وجود آید! بعد از علت لبخند، چه درونی چه بیرونی باید مغز

تراکنش کند که می خواهد لبخندی صورت بگیرد، مغز وقتی فهمید که این قدرت را دارد فرمان را توسط میلیون ها رگ و مویرگ به ماهیچه صورت می فرستد و ماهیچه صورت به مغز می گوید که آیا توان این کار را دارد؟ اگر داشت، جواب بله را به مغز ارسال می کند و منتظر دستور مغز می ماند تا مغز دستور نهایی و تصویب شده را که لازم الاجراست صادر کند و لبخند صورت می گیرد. در یک هزارم ثانیه این فعل و انفعالات صورت می گیرد، بدون متوجه شدن ما. آیا در این مثال بسیار کوچک نباید اندیشه کرد؟ در کارهای بزرگ دیگر بدن اندیشه کنید و ببینید چه حیرت آور است. قدرت رئیس بزرگ بدن یعنی مغز این لبخند بسیار کوچک است و هماهنگی و وابستگی میلیاردها سلول بدن در هر بخش از بدن بسیار عجیب و پیچیده ست. از پیچیدگی بدن و مغز انسان به پیچیدگی حیرت آور تمام کائنات عالم خواهید رسید.

پیچیدگی هایی که علم در توضیح همه آن ها ناتوان است و تاکنون شاید ۲۰ درصد از این موارد را به زبان علم توضیح داده است. آیا در این مثال ساده نباید تفکر و تأمل کرد، که چه کسی این هماهنگی را با هم مقارن و پیوسته و وابسته کرده است؟ وقتی در این هماهنگی کوچک و ساده تفکر کنیم به هماهنگی و نظم جهان خواهیم رسید هماهنگی و نظمی که میلیاردها برابر پیچیده تر از یک لبخند ساده ست، آیا این اتفاقی ست؟ واقعاً باید تأسف خورد برای کسانی که منکر وجود خدا هستند، وقتی این همه نشانه به انسان نشان داده شده است. با فکر و خرد و قلب پاک و تشنه حقیقت می توان با تفکر در ظاهر، به باطن عالم پی برد. به نظر شما زمین چگونه قابل زندگی کردن است؟ قبلاً توضیحاتی راجع به زمین بیان شد، باز هم تأکید می کنم که جز وجود یک

نیروی ماورائی، زمین نمی توانسته به وجود آید و نگهداری شود. هرگز امکان ندارد این چنین جایی بدون تفکر و اراده به وجود آمده باشد. اگر بخواهیم درباره جزئیات زمین که چگونه قابل زیستن است توضیح دهیم مجبوریم میلیون ها مثال و توضیح را بیان کنیم ولی به کلیات اکتفا می کنیم و جزئیات را می گذاریم برای کسانی که علاقه دارند در این مورد موشکافانه اطلاعات جمع کنند. اندازه زمین و جاذبه آن باعث ایجاد لایه نازکی اطراف آن می شود که بیشتر آن اکسیژن و نیتروژن است و فقط تا (۵۰ مایل) بالاتر از سطح زمین را تحت پوشش قرار می دهد. اگر زمین از این زمینی که ما داریم در حال حاضر کوچک تر بود امکان وجود اتمسفر غیر ممکن بود، مثل سیاره تیر. اگر زمین بزرگ تر بود اتمسفر فاقد هیدروژن می شد، مثل سیاره مشتری. زمین تنها سیاره ای است که اتمسفری با ترکیب دقیق گازها دارد که حیات را ممکن می سازد. زمین در فاصله مناسب از خورشید قرار گرفته است به نوسانات دمایی که بدن ما به سختی می تواند تحمل کند توجه کنید ← ۳۰- تا ۱۰۰+

اگر زمین کمی دورتر از خورشید بود همه ما منجمد می شدیم و یخ می بستیم و اگر کمی به خورشید نزدیک تر بودیم زنده زنده می سوختیم. حتی انحراف کوچکی در موقعیت زمین نسبت به خورشید زندگی روی زمین را غیرممکن می سازد. ماه به دلیل کشش گرانشی آن و اندازه و فاصله مناسبی که از زمین دارد باعث جذر و مد و حرکت اقیانوس ها می شود. بنابراین آب اقیانوس ها را کد نمی ماند و در عین حال آب اقیانوس های بزرگ بر روی قاره ها سرازیر نمی شود. این ها نشانه های روشنی از وجود خداوند است اگر انسان تفکر کند. آبی که در زمین است

قابل تأمل است. خاصیت آب این است که می تواند صدها ماده شیمیایی و معدنی را در سراسر بدن، بدون تأثیر بر ساختار اولیه مواد، در کوچک ترین رگ های خونی به جریان بیندازد. آب کشش سطحی بی نظیری دارد، بنابراین می تواند در گیاهان بر خلاف بالا برود و به نوک بلندترین درخت ها برسد. آب از بالا به پایین یخ می زند و یخ روی آب شناور می ماند، بنابراین ماهی می تواند در زمستان زنده بماند. این ها نشانه های بسیار کوچکی از وجود و حضور خداوند است که در همه چیز تأثیر و حضور دارد.

(دکتر آلکسیس کارل)^{۵۴} برنده جایزه نوبل می گوید: اندیشه من، به کمک محاسبات دقیق نسبت به مقیاس آب زیر کوه ها، اقیانوس ها و دریاها در روی زمین، می گوید که آب روی زمین ساخته شده است ولی به جهان دیگری تعلق دارد، به جهانی که هر چند در درون اوست لیکن از حیّز زمان و مکان بیرون است. این حرف دکتر واقعاً جای تفکر دارد، منظور ایشان این است که آب از مخلوقات خداوند است که آن را به بشر داده است، آبی که فرمول ساختش مربوط به غیر از زمین است و در دستان خداست.

(ادوین فست)^{۵۵} دانشمند فیزیک و طراح کلیات انرژی اتمی: باید دانست که قانون طبیعی عبارت است از شرح حوادث قابل مشاهده، مثل وجود داشتن ماه و خورشید. ولی شرح و فهم این حوادث علت حصول و وجود داشتن پدیده ها را روشن نمی کند. علوم، با توسعه اطلاعات مربوط به فیزیک هسته ای در جستجوی مبدأ جهان به این نتیجه رسیده است که تمام عناصر و ترکیبات

^{۵۴} - کتاب انسان موجود ناشناخته
^{۵۵} - اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ به نوشته مونسما

آن‌ها از عمل متقابل ذرات اصلی به وجود آمده‌اند و در نتیجه تجمع پروتون‌ها و خواص آن‌ها در شرایط و اوضاع مختلف باعث به وجود آمدن اجسام عالم شده است. اما خود پروتون در کجا آمده است؟ و چرا این خواص را دارد؟ خداوند قدرتمند این‌ها را خلق کرده و چنین خواصی را به الکترون و نوترون و پروتون داده است که تمام قوانین این عالم از خواص آن‌ها به وجود می‌آیند. سه عنصر اصلی، یعنی هیدروژن، اکسیژن و کربن مواد اولیه تمام اجسام زنده را تشکیل می‌دهند و مقداری ازت و مقدار کمی از عناصر دیگر نیز با سه عنصر فوق ترکیب یافته‌اند. مخترع این عناصر کیست؟ خلق این عناصر در دستان پر قدرت خداوند بزرگ است که میلیون‌ها سال قبل از وجود ما آن‌ها را خلق نموده است. در جسم ساده‌ترین و کوچک‌ترین حیوانات، میلیون‌ها از این اتم‌های عناصر مزبور وجود دارد که به نسبت‌ها و اشکال خاصی با هم ترکیب یافته‌اند، این عناصر و مواد اولیه ساخت خدای توانا است که با ترکیب‌های پیچیده و متنوع باعث به وجود آمدن کائنات شده است. کسانی که مثلاً با علم ظاهری و کوچکیشان می‌خواهند وجود خدا را انکار کنند، باید بدانند که؛ نه تنها علم از آن خداست بلکه خداوند اراده کنج‌کاوی را در ذات ما نهادینه کرده تا پیوسته در جستجوی علم باشیم. واژه خدا، شاید ساده باشد ولی شکوه و عظمت آسمانی دارد.

(جرج رومانس) زیست‌شناس سرشناس و مشهور در کتب خود از جمله کتاب رومانس ۱۸۹۴ بارها و بارها خداوند را صاحب و مخترع تمام کائنات عالم، چه جاندار چه غیرجاندار دانسته است

و می گوید: در اصل ساخت کوچک‌ترین شیء‌ها که به نظر ما دست‌ساز خودمان است، علم و اراده خدا نهفته است.

(ویلیام جیمز)^{۵۶} روان‌شناس و فیلسوف مشهور آمریکایی می گوید: دانشمندان همیشه در جستجوی علل هستند. در بعضی موارد علل به آسانی پیدا می شوند ولی در برخی باید رنج فراوان کشید و تفحصات علمی زیادی کرد تا علل ظاهری را برطرف نموده و علت اصلی را ظاهر ساخت. پس در نهان علم تکنولوژی های امروز، علم برتر خدا را باید پیدا کرد. علم ظاهر باید ما را راهنمایی کند به قدرت و اراده اصلی و این پیام را به ما برساند که اگر خواست هوش برتر نباشد هیچ جسمی هم نیست، حالا چه یک میخ کوچک باشد تا یک هواپیمای بوئینگ. علم، ظاهری تکنولوژی ها را به ما نشان می دهد، ولی خود انسان باید تلاشی برای به دست آوردن حقیقت نهفته در پس آن بکند که البته خدا هم راهنمایی می کند تا بشود باطن را دید. خردمندان این گونه به حقیقت می‌رسند. (دونالد رابرت کار)^{۵۷} عالم زمین شناسی و متخصص ژئوشیمی: در طبیعت در همه مظاهر، آثار و حضور قدرت آفریدگار را مشاهده می‌کنم. از عمر جهان حدود ۵ میلیون سال گذشته و در تمام این سال های طولانی خدا حضور داشته و دارد و خواهد داشت.

(داسون)^{۵۸} دانشمند بزرگ زمین شناسی می گوید: از دریچه دیگری به این موضوع نگاه کنید. اگر دنیا تصادفی به وجود آمده بود هرج و مرج در آن حکم‌فرمایی می کرد و یا بروز حوادث، قطع و غیرقابل تغییر بود و دعا و عبادت نمی توانست معنی عاقلانه ای داشته باشد. ولی اگر اداره

^{۵۶}- در کتاب روانشناسی دین

^{۵۷}- در مقاله ای تحت عنوان شواهدی از زمین شناسی

^{۵۸}- اثبات وجود خدا

دنیا در دست یک قانون‌گذار قدرتمند و مهربان باشد، آن وقت بدون آنکه برای استجاب دعاى ما نظم جهان را به هم بریزد با قدرت بی نهایتش به خواسته ها و نیازمندی های ما توجه خواهد کرد.

(راسل چارلز آرتیست)^{۵۹} دانشمند زیست شناسی از دریچه سلول شناسی به خداوند اعتقاد دارد او می گوید: درباره سلول که ماده اولیه همه چیز است تحقیق و مطالعه کنید تا با دقت و تشکیلات پیچیده و حیرت آور سلول مواجه بشوید. سلول چگونه با این همه نظم در ساختار می تواند تصادفی به وجود آید؟ کسانی که در مورد سلول مطالعه و علم دارند هرگز نخواهند گفت این سلول خودش شانسى به وجود آمده است زیرا با هیچ علم و منطقی مطابقت ندارد.

(گوته) شاعر بزرگ آلمانی، به همراه شکسپیر انگلیسی، هومر یونانی و رانت ایتالیایی، چهار رکن ادبیات اروپا، در یکی از ده هزار نام باقی مانده از او در کتاب زندگی و آثار گوته نوشته دکتر پرویز پرویزفر، می گوید: طبیعت و تمام علومش با مردم ناآگاه و ناتوان در جنگ است و اسرار شگفت انگیز خود را جز با مردم دانا و نیک در میان نمی نهد.

(اسحق واتس)^{۶۰} نیز می گوید: طبیعت کتاب خود را گشوده و از روی آن آفریدگار بزرگ را تسبیح و تجلیل می کند. شما هم با طبیعت هم آواز شوید و خدای مهربان را فراوان یاد کنید. خدا خود را از راه علم به بشر می نمایاند و بشر با علم و مطالعه کارهای عظیم خلقت، اعتقادش به خدا بیشتر می شود.

^{۵۹} - اثبات وجود خدا

^{۶۰} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

آفرینش خدا بسیار پیشرفته و قابل ستایش است. (جرالدت.دن-هرتاگ)^{۶۱} دکترای علوم کشاورزی می گوید: هیچ ماشین دست ساخته بشر قابل مقایسه با ماشین پیچیده و شگرف یک درخت سیب نیست. هرچند ماشین ساخت بشر نیز عقلش را خداوند به انسان داده است ولی یک درخت سیب مستقیماً دست ساز خداست.

(الیور وندل هولمز)^{۶۲} دانشمند آمریکایی می گوید: فهم درست علوم، ایمان به خدا را بیشتر می کند.

(توماس دیوید پارکس)^{۶۳} دانشمند سرشناس شیمی می گوید: اینکه دانشمندان بزرگ شیمی همیشه در تحقیقات خود موفق می شوند که خیلی از موارد مربوط به شیمی را پیش بینی کنند، دلیل بزرگ نظم و ترتیب در عالم هستی است. در غیر این صورت هیچ موردی را نمی توان پیش بینی کرد و علم شیمی زیر سؤال می رود. هرچند این نظم و ترتیب با این همه دقت گاهی اوقات براساس حکمت عالی خدا برای خیر و صلاح اموری که ما درکش را به طور کامل نداریم تغییراتی دارند.

(مارلین بوکس کریدر)^{۶۴} دانشمند فیزیک می گوید: آفریدن یا ساختن یک عضو کوچک در بدن انسان یا حیوان از قدرت باهوش ترین و ماهرترین افراد بشر خارج است. مثلاً هیچ تفسیری، مادی یا علمی از کارهای حیرت انگیز و پیچیده مغز نمی توان ارائه داد.

(پاستور) می گوید: هیچ جسم زنده ای خود به خود یا از یک جسم با جان به وجود نمی آید.

۶۱- اثبات وجود خدا

۶۲- اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

۶۳- مقاله مشهور ایشان به نام آب قصه

۶۴- اثبات وجود خدا

(ادوارد لوترکیسل)^{۶۵} دانشمند زیست شناس می گوید: تمام مطالعات علمی هر صاحب عقل سلیمی را مجبور می کند که به یک علت اولیه خلقت ایمان آورد. خداوند به نسل کنونی بشر یعنی نسل ما لطف بیشتری نموده است و با کشفیات مهمی که در علوم طبیعی جهان صورت می گیرد ما را غرق محبت فرموده و تمامی افراد بشر اعم از دانشمندان و مردم عادی باید شکرانه این لطف خدا را با ایمان قلبی به او و سپاس از لطف های بی شمارش به جا آورند. در ادامه نیز می گوید: هر قدر طبیعت را بیشتر مطالعه می کنم از هر علمی که در جهان وجود دارد بیشتر دلیل به دست می آورم برای اثبات حضور پررنگ خداوند. پدیده تکامل و طرز انجام یافتن آن، مظهر حکمت عالمانه و عالیله خداوند است نه بی حضور خدا، که متأسفانه بعضی ها از روی ناآگاهی و تعصب پدیده تکامل را خود به خود و بدون حضور خدا می دانند! واقعاً شرم آور است. چگونه می توان تکامل را مطالعه کرد و به خدا ایمان نیاورد؟ تکامل یکی از مراحل خلقت به مدیریت خداوند است. اگر کسی با فکری روشن، علوم را مطالعه و تحقیق کند به لزوم وجود آفریدگار قائل خواهد شد. گروهی از دانشمندان باور دارند که برای رسیدن به خدا نباید در آزمایشگاه گشت یا از زیر ذره بین و دوربین کمک خواست. برای دیدن خداوند عنصری غیرمادی به نام خرد و عقل لازم است. حرف این گروه از دانشمندان نیز از جهاتی درست است ولی اگر با دقت به این موارد فکر کرد، در همان آزمایشگاه و دوربین نیز می توان حضور پررنگ خدا را دید. همان علم آزمایشگاه هم حضور خدا را فریاد می زند، فقط باید با دقت گوش داد. یک ماشین، یک هواپیما، یک کشتی، یک ساختمان ... حضور علم خدا را در درون خودشان داد می زنند.

^{۶۵} - اثبات وجود خدا

معروف کرخی (شاعر و فیلسوف ۲۰۰ ق)، ابوالعباس قصاب (قرن ۴)، خواجه عبداله انصاری (قرن ۴) و محمدغزالی (کتاب مشکاه الانوار) و خیلی از عارفان و دانشمندان علمی دیگر در زمان خود بارها در کتاب هایشان از حضور خداوند در همه چیز نام برده اند و هیچ چیز را بدون حضور خدا نام نبرده اند.

(محمد غزالی) می گوید: هیچ چیز وجود ندارد مگر آنکه خدا در آن پیدا است.

شروع اخلاقیات

بحث را وارد اخلاقیات می کنیم. در واقع حضور خدا را در انسانیت نشان می دهیم.

اقلیت ها هرگز خسته نمی شوند از گفتن اینکه ما محصولات اتفاقی حرکت ماده هستیم. یک حرکت بدون هدف! با توجه به این تصور، اخلاق چگونه می تواند وارد ماده بشود؟ ماده که به خودی خود نمی تواند اخلاق را درون خودش بیاورد، آیا می شود؟ عقل سالم این را قبول دارد؟ وجدان اخلاقی، صدای خدا در درون روح است. یک معیار اخلاقی در روز تولد تا پایان مرگ وجود دارد که می گوید هرگز از وجدان خود نافرمانی نکنید. برخی به صدای وجدانشان توجه ندارند، اما همیشه این در ذهن تمام انسان ها هست که آدم با وجدان آدم خوبی است و برعکس. حتی بزرگ ترین جنایت کاران تاریخ این موضوع در مغزشان وجود دارد هرچند که به آن عمل نکنند. این اندیشه به صورت یک قانون نانوشته غیرقابل نابودی است. تمام انسان ها چه خدا باور چه خدا ناپاور، به اینکه ظلم اشتباه است و ارزش و دوستی درست و دیگر فضیلت های اخلاقی

مثل گذشت و درست هستند اعتراف می کنند. ما طبیعتی داریم که ارزشی را در اعماق وجودی خود کشف می کند که واقعاً وجود دارد.

(داستایوفسکی)^{۶۶} یکی از دانشمندان اخلاقیات فلسفه می گوید: اگر خدا وجود نداشته باشد همه چیز مجاز است! در صورتی که حتی خدانا باوران تشخیص می دهند که بعضی چیزها مثل قتل و دزدی و ... مجاز نیستند اما علت و چرایی آن را نمی دانند. چگونه ماده خود به خود می تواند ارزش های اخلاقی را در ذهن ما جاساز کند؟

قدیس (آنسلم کانتربری)^{۶۷} می گوید: درجه تعالی برای یک چیز زمانی است که هم در ذهن وجود داشته باشد هم در واقعیت. هیچ چیزی از خدا فراتر نمی توان ساخت. یعنی حتی در فکر و اندیشه ما غیرممکن است بتوان کسی را تصور کرد با قدرت بیشتر از خدا. خدا متعالی ترین کسی است که می توانیم تصور کنیم به این معنی است که کمالات یا خصوصیات منطقی وجود دارد که خدا بالاترین درجه را در آنها دارد و هرگز از خدا برتر وجود ندارد خصوصیت هایی که قابل تحسین هستند درجه خصوصیات اخلاقی خدا تا بی نهایت است و پایان ندارد

معانی اولیه خوب بودن، شادی، خوش اخلاقی، دادگر، عاقل، خیرخواه بودن، صلح طلب بودن، بخشنده و با گذشت بودن، مقدس و مهربان بودن و چنین خصوصیتی مختص خداوند خالق ماست. چه خدا باور چه خدانا باور، چه کسی دوست داشته باشد و بخواهد چه کسی دوست نداشته باشد و بگوید من خدانا باورم ولی این خصوصیات خوب را هم باور دارم.

۶۶- در کتاب جن زدگان ترجمه خیره زاده. کتاب برادران کارامازوف ترجمه صالح حسینی. دکتر مریم مجتهدی نویسنده کتاب داستایوفسکی و آثار و افکار
۶۷- مهم ترین اثبات وجود خدا برهان وجودی است ← رساله پروسلوگیون (گفتگو به غیر)

فیلسوف معروف و بزرگ (ارسطو) می گوید: وجدان، ندای خالق در روح ماست. آن ها که خدا ناباورند ولی ارزش های اخلاقی را تحسین می کنند مطمئن باشند که این نظر لطف خدا به آن هاست. خدا خیلی مهربان است. دوست دارد در کنار نیکو کاری خدا را هم باور داشته باشند تا به سعادت واقعی برسند. خداوند آفریننده اخلاق است، همان گونه که آفریننده پرندگان است. این را ارسطو می گوید، اخلاق براساس ماهیت ابدی خداست و هرگز از بین نمی رود.

خداوند در (انجیل لاویان ۱ از ۴۴) می فرماید: مقدس باشید چون من مقدسم.

منظور از مقدس بودن، ارزش های والای انسانی است. مثل مهربان بودن، انسانیت داشتن و ...

پس خدا دوست دارد خصوصیات اخلاقی اش را بندگانش هم داشته باشند تا آن ها را از تاریکی ها به سوی روشنایی هدایت کند و حقیقت را بر آنان آشکار سازد و در مسیر درست و انسانی پیش بروند، مسیری که خدا دوست دارد. به همین دلیل است که اخلاق دارای نفوذ مؤثر و مطلق و غیرقابل تغییر بر وجدان ماست.

(سقراط معروف) فیلسوف جاودان می گوید: آیا چون خداوند به چیزی امر کرده است آن چیز درست است، یا چون آن چیز درست است به آن فرمان داده است؟ او قسمت اول را رد کرد و به این نتیجه رسید که قسمت دوم صحیح است. اگر خداوند دستور به امری فرموده اند مطمئن باشید که آن امری نیکو و درست است که باعث سعادت انسان می شود. خصوصیات ارزشمند انسانی در وجود خود انسان هستند و می تواند از آن ها استفاده کند و باعث خیر برای خود و دیگران

باشد و می تواند از ضد ارزش های اخلاقی استفاده کند که باعث تباهی خود و دیگران بشود.
خدا انسان را آزاد و باشعور آفریده است.

(کانت) می گوید: اگر یک کلیدساز را در مکانی بیندازیم و در را قفل کنیم، اگر لوازم اصلی کارش را داشته باشد حتماً با تولید کلید از آن جا خواهد رفت و هرگز نمی توان او را نگه داشت. در اینجا، مکان یعنی جهان هستی و لوازم اصلی کار یعنی خصوصیات پاک انسانی که در وجود همه است ولی باید کشف و بهره برداری شوند. تولید کلید یعنی بهره مند شدن از اعمال نیک که خدا هرگز آن را بی جواب نمی گذارد. پس همان گونه که یک کلیدساز می تواند از یک مکان تاریک خود را نجات دهد، یک انسان هم توان این کار را دارد که با خصوصیات درست انسانی از تاریکی های ذهن خود به روشنایی ها برسد. تنها یک اراده و اندیشه نیکو (خدا) خواستار اراده و اندیشه نیکو است. فقط عشق می تواند خواهان عشق باشد. یک میل ذاتی در ما وجود دارد. میلی به عنوان پشتوانه بودن و احساس امنیت و آرامش. میلی فراتر از زمین و زمان. آن میل ذاتی ما خداوند است. خداجویی در ذات همه انسان هاست، ولی متأسفانه بعضی ها آن را سرکوب می کنند و بعضی ها آن را با عشق و علاقه دوست دارند. هیچکس تا به حال یک تمایل ذاتی برای چیزی که وجود ندارد، نداشته است.

(ژان پل سارتر) که خداناباور معروفی بود اواخر زندگی اش می گوید: زمانی خواهد آمد که انسان ها بفهمند و حس کنند که یک گمشده دارند. چیزی فراتر از جهان مادی چیزی که در آینده همگان بر آن اعتراف خواهند کرد و من یک عمر در تفکرات اشتباه زندگی کردم.

ما، قدرت درک یا درون‌یافتی خردمندانه یا بینش را علاوه بر قدرت ذهنی در احساس هم داریم. هیچ میل بیهوده‌ای در طبیعت انسان وجود ندارد. وقتی کودک گرسنه است میل به غذا خوردن دارد، وقتی تشنه است میل به نوشیدن آب دارد. پس غذا وجود دارد، آب وجود دارد. باید چیزی وجود داشته باشد تا میل آن هم به وجود آید، باید چیزی وجود داشته باشد که این خواسته‌ها را برآورده کند. انسان‌ها امیال جنسی دارند و چیزی هم به عنوان رابطه جنسی وجود دارد. پس هر میلی که انسان در طبیعتش دارد باید پاسخی برایش وجود داشته باشد. بسیاری از انسان‌های دوران‌های مختلف و فرهنگ‌های متنوع، در طول سالیان بلند زندگی در جهان با اعتقادات بسیار مختلف به وجود یک نیروی مافوق بشری یاری‌دهنده و پر قدرت اعتقاد داشته‌اند. حالا با تفکرات گوناگون حتماً چنین چیزی وجود داشته است که مردم دوران‌های مختلف به آن احساس نیاز دارند. بعضی‌ها خدا را نیروی مافوق بشری دانسته‌اند و گروهی یک بت یا هر چیز دیگری را نیروی مافوق بشری خود قلمداد می‌کردند. تشابه میان دو دیدگاه این است که همه مردم به قدرت ماورایی اعتقاد دارند. حالا یکتاپرستان که اعتقادشان درست است ولی بت پرستان که به نیروی ماورایی اعتقاد دارند ولی اعتقاد آن‌ها درست نیست و باید می‌فهمیدند تنها نیروی ماورایی جهان، خداوند یکتاست. حالا تفاوت بین آن‌ها این است که یکتاپرستان اعتقادشان درست است ولی بت پرستان نه. بت پرستان به نیروی مافوق بشری ایمان داشته‌اند، مثل یکتاپرستان و این دو گروه می‌دانسته‌اند تصمیمات بزرگ و حیاتی زندگی انسان در دست کسی پر قدرت و غیرقابل شکست است و به او ایمان داشته‌اند، پس از این نظر خیلی به هم شباهت

داشته اند ولی از نظر اینکه آن نیروی ماورائی کیست، با هم تفاوت دارند. یکتاپرستان خدا را نیروی ماورائی دانسته اند که این صحیح است ولی بت پرستان چیزی غیر از خدا را نیروی ماورائی دانسته اند که کاملاً در اشتباه بودند. منظور ما فقط این است که بگوییم تمام انسان های دوران های مختلف به نیرویی ماورائی اعتقاد داشته و دارند. از اولین روز خلقت آدم تاکنون می دانید چند میلیارد انسان زندگی کرده اند؟ بگذارید عشق و دانش با هم در قلب و ذهنتان آمیخته شوند تا هر روز حقیقت برای شما بیشتر روشن و نمایان گردد. تا مهر وجودی شما تقویت شود و همه مخلوقات خداوند از این مهر بهره مند شوند چیزی که خواسته خدا است و این اصل مشترک تمام ادیان یکتاپرست است.

(پیتر کریفت) فیلسوف بزرگ در کتاب اثبات خداوند با ۲۰ برهان می گوید: به خودتان کمک کنید تا به تعالی روحی و فکری برسید. با اندیشه و تفکر درست، دوستان خدا را جدا از هر مذهب و اعتقادی که دارند این گونه بیان می کند که دوستان واقعی خدا کسانی هستند که باعث برکت و خیر برای دیگران و خودشان می شوند و با اخلاق خوش و پندار و گفتار و رفتار درست انسان ها را به خدا نزدیک تر می کنند نه با حرف زدن تنها، بلکه عمل هم در کنار اندیشه باشد نه فقط حرف زدن بدون عمل. متأسفانه مثل بعضی از عالم نماهای جهان. اکثریت عظیمی از انسان های ادوار مختلف به یک وجود نهایی و قدرتمند ایمان آورده اند که واکنش درست در برابر او تنها می تواند احترام و عبادت باشد، عشقی آمیخته با احترام. افرادی که به خدا ایمان نمی آورند، مانند

فردی ناشنوا هستند که موسیقی را انکار می کند. قابل توجه است که چندین نویسنده از جمله (پل ویتز) خداناباوری را به عنوان یک آسیب شناسی روانی تحلیل کرده اند.

نظریه شرط بندی (پاسکال)^{۶۸} ← اگر یک خدای بی نهایت خوب وجود داشته باشد و او به درستی شایسته وفاداری و اعتقاد من باشد، من ریسک نمی کنم و با عدم شناخت او بزرگ ترین بی انصافی را در حق خودم و او انجام نمی دهم. اگر من خدا را قبول داشته باشم بسیار برای من بهتر است تا اینکه منکر خدا باشم. خلاصه اینکه اگر خدا را باور داشته باشید چیزی را از دست نمی دهید پس چه لزومی دارد خداناباوری؟

(مسیح مقدس) در انجیل می گوید: همه کسانی که به دنبال خدا بگردند او را پیدا خواهند کرد. به عقیده فیلسوف های صوفیه، دریا و موج بهترین مثال هستند برای فهماندن این نکته که در تمام چیزها خدا وجود دارد. آن ها می گویند دریا دارای موج است و موج زاده دریاست، پس موج وجود دارد چون دریا وجود دارد. در این مثال، دریا خداست و موج ها پدیده های موجود در جهان هستی، مثل ما و تمام موجودات کائنات. مثال موج و دریای معروف صوفیان به طور خلاصه می گوید: تمام موج ها (پدیده ها) آفریده شده دریا (خدا) هستند و از او جدا نمی باشند بلکه ذات وجود خود را از او دارند.

(شبستری) از بزرگان صوفیه، (قیصری) شاعر و نویسنده بزرگ ایرانی، (یوگاناندای معروف هندی) و خیلی از دیگر صوفیان وقت خود، همیشه این مثال را برای اثبات خدا در همه چیز آورده اند. پس نتیجه می گیریم هیچ علم یا تکنولوژی نیست که خدا آن را نیافریده باشد (علمش را به

^{۶۸} - فیزیک دان و فیلسوف کتاب تفکرات پاسکال (بعد از مرگ) - کتاب نامه های ایالتی پاسکال در مورد مذهب

انسان داده است) و تا خدا نخواهد و نباشد هیچ چیزی وجود ندارد. این از نظر صوفیان طبق کتاب ها و یادداشت های نویسندگان طول تاریخ هر کدام از عارفان در زمانه خود انسان هایی بسیار هوشمند و آگاه بوده اند و دقیق ترین و بهترین افراد در زمان خود بودند. عارف کسی است که در همه چیز و همه جا حضور خداوند را می بیند.

(ابوالسعید ابوالخیر) عارف معروف می گوید: عارف که ز سر معرفت آگاه است، بی خود ز خود و با خدا همراه است.

(سنایی) دیگر عارف بزرگ می گوید: عقل سایه خرد است و هرچه با عقل بشر به وجود آید، از سرچشمه اصلی عقل کل الهام گرفته شده است. زمانی عقل می تواند کارگشا باشد که از عقل کل مدد بگیرد. اگر کسی به خدا اعتقاد نداشته باشد این دلیلش محدودیت عقل است نه دانایی. متأسفانه برخی افراد خداناباوری را حاصل آگاهی و هوش خود می دانند که واقعاً بسیار تأسف برانگیز است که این طرز فکر عجیب و بی منطق را دارند. این گونه افراد باید در تفکر و ذهن خود تغییرات اساسی بدهند، زیرا نظرشان کاملاً اشتباه است. این را فقط من نمی گویم، دانشمندان بزرگ، فیلسوفان بزرگ، نویسندگان و شاعران بزرگ، افراد خیر بزرگ، عارفان، صوفیان، پادشاهان بزرگ و نیکوکار، انسان های بزرگ زمان خود و ... اکثراً به وجود خدا اقرار کرده اند و او را سرچشمه علم کائنات می دانند و تعداد بسیار ناچیزی خدا را قبول ندارند که من آن ها را ناآگاه می دانم. در اعماق تاریکی ذهن غرق شده اند. همیشه برای برگشتن به خدا راه هست و

خدا بسیار دوست دارد کسانی را که به ناآگاهی شان اعتراف و به سمت خدا برگردند که خیلی از خدا ناباوران تاریخ در سال های پایانی عمر خود خدا باور شده اند.

(افلاطون و ارسطوی بزرگ و سرشناس) نظرشان این است که: وقتی کسی به درجه بالایی از شعور، عقل و دانایی برسد به طور یقین خدا را حس خواهد کرد. افلاطون و ارسطو، آگوستین و آگوناس و ... رسیدن به شناخت خدا را از راه عقل تأیید می کنند. ولی (کانت) معروف و خیلی- های دیگر می گویند از راه حسی می توان خدا را شناخت ولی به نظر اکثر بزرگان انسان در تلفیق دو نظریه فوق با علم به بهترین وجه خدا را خواهد شناخت.

به نظر عارفان قدیم مسیح، باید خدا را با دل پاک و صاف از طریق عشق و ارادت یافت. می گویند علم آن قدر قدرت و توانایی ندارد تا خدا را ثابت کند ولی قلب این قدرت را دارد. ولی امروزه با علم هم می توان خدا را ثابت کرد. البته انسان در حدی نیست که بتواند تمام قدرت خدا را کشف کند. با تلفیق قلب و علم می توان خدا را یافت. به قول یکی از عارفان مسیح نظریه شان کاملاً مقبول است، ولی در دنیای امروز علم و قلب باهم خداوند را بهتر اثبات می کنند.

به قول دانشمند آمریکایی (بونانتورا) تار و پود ایمان و عقل درهم تنیده شده اند. فیلسوف (نیکولا مالبران) ^{۶۹} می گوید: خدا نخستین تصور فکری تعبیه شده در ذهن بشر است و سایر تصورات، صورت های تعدیل یافته این مفهوم هستند.

(اوسکار لئو برایوئر) ^{۷۰} دانشمند بزرگ فیزیک و شیمی می گوید: ایمان به آفریدگار و اقرار به عظمت وی در جهان هستی انسان را به ترک ظلم و صفات حیوانی و گرویدن به ارزش های

^{۶۹}- رساله اخلاق طبیعت دقیق الهی رساله عشق به خداوند

اخلاقی و بشر دوستی و صداقت و انعطاف رهنمون می سازد. او در ادامه می گوید آن عقیده علمی که می گوید، خالق وجود ندارد برای بشر مضر است و باید از آن گریخت در اصل آن اصلاً علم نیست، شبه علمی ناممکن است.

دانشمند شیمی (جان لئوآبرنتی)^{۷۱} می گوید: چه نیروی تصادفی توان این را دارد که وقتی کسی که از ته دل دعا و خواهشی دارد، مشکلی برطرف شود؟ اتم، این قدرت را دارد؟ الکترون این قدرت را دارد؟ آن خداست که در تمام جهان بندگان را مورد رأفت و لطف قرار می دهد. واقعاً متأسفم برای کسانی که عالم و پیچیدگی هایش را تصادفی می خوانند. نیکی به دیگران و پرهیز از بدی به آنها، مهم ترین دستور خداوند در تمام ادیان و فلسفه هاست. شاید جزئیاتشان تا حدودی با هم تفاوت داشته باشند ولی این دستور هرگز تغییر نکرده و نخواهد کرد و اگر دین غیر از این توصیه کند دین خدا نیست.

به قول (انیشتین) که می گوید: مذهب باید انسان را صبورتر، مهربان تر، آزادتر، دلیرتر و حق جو تر کند و اگر مذهبی نتوانست این کار را انجام دهد، چیزی جز پلیدی و حقه بازی نیست و این حرف کاملاً با حقیقت مطابقت دارد. شاید پرسید نیک چیست؟ باید گفت، به طور خلاصه نیک کارها و صفاتی است که خدا با حکمت مقدس و روحانی خود بشر را به انجام آن و گرویدن به آن ها امر نموده. صفاتی که بشر را انسانی درست تر و به خدا نزدیک تر می کند و باعث خیر برای دیگران می شود و قلب را مهربان و رئوف می کند. قلبی هم که مهربان باشد حتماً مردم آزاری و

^{۷۰} - اثبات وجود خدا توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما
^{۷۱} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ توسط مونسما

ستم نخواهد کرد و بد، کارها و صفاتی است که انسان را از ارتکاب آن‌ها بازداشته، اعمال و صفاتی که قلب انسان را سیاه می‌کند و این سیاه شدن باعث ظلم بشر برای خود و دیگران می‌شود و افکار زشت را در ذهن انسان زیبا جلوه می‌دهد. مثلاً یکی از این صفات بد که فرد فکر می‌کند صفتی ارزشی است، تعصب بیش از حد بر روی اعتقادی است که باعث می‌شود افکار و عقاید دیگران را نادیده بگیرد و این در ذهن انسانی است که بی ارزشی‌های زشت را ارزش‌های اعتقادی و زیبا در ذهن خود می‌داند. صفات بد باعث بی تفاوت شدن نسبت به مشکلات دیگران می‌شود، باعث خودخواه بودن انسان می‌شود. صفات بد صفاتی هستند که بشر را از خدا و انسانیت دور و به ظلم و حرف زور نزدیک می‌کنند. به هر صورت خدا برای هر کار و صفت نیکی پاداش و برای هر کار و صفت زشتی جزا مقرر نموده است، که در آن یک سرسوزن بی عدالتی نیست و هیچکس از سر اعمال خداوند آگاه نیست.

(پول) یکی از حواریون مسیح مقدس که تحقیقات بسیار وسیع علمی و روحانی انجام داده بود، در هنگام پیری نامه‌ای برای پسر خود (تیموئی) که پیگیر علم و دانش بود و در شهر دیگر بود، نوشت: ای تیموئی، ایمان خود به خداوند را نگه دار. از انکار کفرآمیز پرهیز کن. از مخالفت‌های به ظاهر علمی غلط با خداوند اجتناب کن، چون علم هم خلقت خداست، خلقتی که می‌توانست به انسان ندهد ولی چون مهربان و سخاوت مند بود به انسان داد تا به وسیله آن رشد کند، پس هرگز در وجود خداوند پر قدرت، شک نکن.

ما حقایق را پشت پرده می بینیم در انسانی با درجه کمال و شعور بالا و این پرده از میان برداشته شده است و شک نکن خداوند را در همه جا و همه چیز حس می کند.

(والترادوارد لامرتس) دانشمند ژنتیک می گوید: من و برخی دیگر از دانشمندان در کتاب مشترک مسیحیت و علم جدید، شدیداً نظرات تکاملی داروین را منطقی محکوم کرده ایم.

(جورج هربرت بلانت) دانشمند فیزیک در رابطه با اخلاق و ارزش های اخلاقی و خدا می گوید: انسان شناسی و مطالعه در روحيات بشر نشان می دهد که توجه به اخلاق در غرایز بشر است و کارهای اخلاقی تابع قوانین ثابت است و هر قانونی را قانون گذاری به وجود آورده است. هرچند خیلی از انسان ها این قانون نانوشته خدا را عمل نمی کنند. به اجبار نمی شود کسی را به ایمان به خدا و ادراک قبول دلایل وجود خدا با روشن بینی و قبول دلایل عدم او، کورکورانه و از روی ناآگاهی یا آگاهی سطحی وادار کرد. استبداد در دین، کاملاً با خداشناسی در تناقض است. او در ادامه در مورد اتفاقی بودن وجود عالم هستی و عدم وجود خدا می گوید، فرض اینکه این همه نظم و پیچیدگی در عالم خود به خود یا در نتیجه هرج و مرج به وجود آمده، تحقیر و توهین است نسبت به عقل و شعور انسانی.

(کلود هزاوی)^{۷۲} استاد دانشگاه آمریکا و کسی که سالهای متمادی در طرح های پیچیده و الکترونیکی دستگاه ها و نرم افزارهای مختلف فعالیت و مطالعه داشت، می گوید: علم فیزیک جدید ثابت می کند که طبیعت نمی تواند نظم و ترتیب خودش را خود به خود به وجود آورد. طبق نظر نیوتون بزرگ و قانون دوم ترمودینامیک، تبدیل نیروی غیرقابل استفاده به نیروهای قابل

^{۷۲} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

استفاده هرگز اتفاق نمی افتد. پس این نظر عجیب و دور از منطق که ما از هیچ و تصادفی به وجود آمده ایم با این قانون هم خوانی ندارد.

(جان ادلف بوهرلر)^{۷۳} دانشمند شیمی می گوید: بشر شاید بتواند مجهولات طبیعت را کشف کند ولی نمی تواند قوانین پیچیده و طبیعی را خلق و ایجاد کند. هر قانونی که بشر کشف می کند او را یک قدم به خدا نزدیک تر می کند. یک مثال کوچک این است که چرا باد وجود دارد، اولین بار باد از کجا به وجود آمده است؟ بشر می تواند برای انرژی از باد استفاده کند و آن را شرح دهد و حتی بداند در کدام منطقه فردا باد است یا نه، ولی هرگز نمی داند اولین بار این باد را چه کسی و در کجا به وجود آورده است؟ بشر شک کرده است که باد همان جریان حرکت هواست. در واقع حرکت گاز در اتمسفر است و باد از طریق گرم شدن نابرابر سطح زمین در اثر تابش خورشید پدید می آید، ولی این شرایط را چه کسی به وجود آورده؟ چه کسی گاز را در اتمسفر به حرکت وادار می کند؟ نمی داند.

(آلبرت ماک کومبز وینچستر)^{۷۴} دانشمند زیست شناس می گوید: بعضی آدم های ساده خیال می کنند که دانشمندان با تحقیقات بزرگ خود حقایق را کشف کرده اند که برخلاف کتب آسمانی - ست. در صورتی که کاملاً در اشتباهند و این موضوع برعکس است. به طور مثال (پیتر استونر) عالم نجوم و ریاضی و فلسفه می گوید: در اوایل کتاب تورات آمده است که زمین در ابتدا خالی و سیاه بود. بعد از قرن ها (دکتر هابل) در تحقیقات گسترده خود این گفته را به صورت علمی تأیید

^{۷۳} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما
^{۷۴} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

کرد که یک سحاب تاریک وجود داشته و زمین از آن به وجود آمده است. موسی چند هزار سال قبل از این کشف علمی، این را گفته است.

هم‌چنین در علم زمین‌شناسی کشف گردیده است که در ابتدا زمین بسیار گرم بوده و تمام سطح زمین را بخار گرفته. اگر چند هزار سال پیش، فردی بدون الهام خداوند می‌خواست اظهارنظری درباره خلقت دنیا کند، اظهارات وی مسلماً امروز پر از خطا و اشتباه بود. ولی مندرجات کتب آسمانی با کشفیات علمی جدید مطابقت دارند. او در ادامه می‌گوید: پس از سال‌ها تحصیل و مطالعه اقرار می‌کنم کوچک‌ترین رخنه‌ای در ایمان من وارد نشده بلکه آن را قوی‌تر هم کرده است. هر کشف تازه‌ای که در دنیای علم به وقوع می‌پیوندد صد‌ها مرتبه بر استواری ایمان می‌افزاید. وقتی ما اثر یک هنرمند توانا را ملاحظه می‌کنیم بی‌اختیار می‌خواهیم که دست‌های هنرآفرینی که این اثر زیبا را خلق کرده، ببینیم. پس انصافاً چگونه دنیایی با این همه زیبایی و جلال به این عظمت و شوکت را ملاحظه کنیم و خالق بی‌همتای آن را نادیده بگیریم و از آن هنرمند جهان آفرین یادی نکنیم؟

(ارل چستر رکس)^{۷۵} عالم فیزیک و ریاضی می‌گوید: علم، درست‌شبهه جوانی است که در برابر سؤالات متعدد و بی‌جواب قرار گرفته است و سعی می‌کند آن‌ها را مطرح سازد و درباره‌شان تفکر کند. علم، به جهان و آفریننده آن به چشم احترام نگاه می‌کند دانشمندی که منکر وجود خدا باشد در نظر من دانشمند ناماست نه دانشمند واقعی. زیرا هیچ دانشمندی خلقت از هیچ را قبول نخواهد کرد و این را امری دور از منطق و علم می‌داند.

^{۷۵} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

(ادموند کارل کورنفلد)^{۷۶} عالم شیمی می گوید فعل و انفعالات سلول انسان، حیوانات و گیاهان به قدری عجیب و پیچیده ست که اگر کوچک ترین انحرافی در آن ها روی دهد باعث بیماری صاحب آن می شود. اگر کسی در مورد انسان ها و حیوانات و گیاهان مطالعه کند و به ریز جزئیات آن ها برسد و بررسی کند حتماً حتماً حتماً به موارد بی شمار شگفت انگیزی خواهد رسید. او در ادامه می گوید: من همیشه به افراد خداناباور فکر می کنم که چگونه با مشاهده این همه دلیل بارز و محکم باز خدا را انکار می کنند. در تعجبم از کسانی که می بینند ولی انگار نمی بینند، می شنوند ولی انگار نمی شنوند، نمی فهمند ولی گمان می کنند خیلی فهمیده هستند.

دانشمند بزرگ (رابرت گراند)^{۷۷} می گوید ایمان ما به خدا بدون منطق نیست بلکه مافوق منطق است.

دانشمند شیمی خداپرست (اسوارتن درویر) (لستر جان زیمرمن)^{۷۸} دانشمند علم زمین شناسی در حوزه تخصصی خود می گوید: بیست درصد خاک زنده (خاکی که باعث به وجود آمدن گیاه می شود) را موجودات ذره بینی بی شمار گیاهی و حیوانی تشکیل می دهند. در هر گرم خاک میلیون ها از این موجودات زندگی می کنند. چه کسی این موجودات را خلق کرده است؟ یک گیاه یا درخت اگر از کسب نور خورشید و اکسیژن محروم شود خشک و پژمرده می شود. مگر در نور خورشید چه چیزی وجود دارد؟ مگر اکسیژن هوا چیست که اگر نباشد، برای انسان ها و حیوانات و گیاهان زندگی بر روی کره زمین غیرممکن می گردد؟ چه کسی این مواد حیاتی را در

^{۷۶} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

^{۷۷} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

^{۷۸} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

کره زمین تولید کرده و سپس گسترش داده است؟ برای کسانی که اهل تفکر و منطق باشند این ها و هزاران نشانه حیرت آور دیگر وجود آفریننده ای بزرگ و توانا را نشان می دهد.

(رابرت هورتون کامرون)^{۷۹} دانشمند بزرگ ریاضیات در جنبه اخلاق می گوید: من به خدا ایمان دارم چون او به من قوه قضاوت اخلاقی اعطا کرده است. نسل بشر دارای یک حس غریزی تفکیک حق از باطل است و خیر و شر را به طور ذاتی می داند، حتی اگر به آن پایبند نباشد. او در ادامه می گوید: برای من ایمان به خدا از تمام براهین ریاضی قوی تر و قانع کننده تر است. وقتی به خدا ایمان آوردم شوری بی پایان و عقیده و هیجان و نشاطی بسیار دلپذیر در درون من به وجود آمد و اکنون ایمان به خدا برای من چنان پر اهمیت و ارزشمند است که حاضرم تمام مقام و مراتب علمی خود و هرچه که در جهان دارم فدا کنم تا عشق خدا از قلبم بیرون نرود.

نویسنده کتاب خدا وجود دارد (آنتونی فلو)^{۸۰} در ابتدا یک خداناباور معروف بود و شاید بزرگ ترین خداناباور جهان، ولی به قول خودش راه درست را شناخت و به خدا ایمان آورد. او می گوید: پیشرفت های علمی جدید دلایل محکمی برای اثبات وجود خداست. (آنتونی فلو) اصل اساسی زندگی خویش را اصلی دانسته که افلاطون آن را از سقراط نقل می کند و آن اصل این است که، پیرو دلیل باش هرکجا که تو را راهنمایی کرد. (آنتونی فلو) به پیوند محکم قوانین عالم، با درایت خداوند معتقد بود و او همیشه آمادگی پذیرش دلایل و اسناد و شواهد برتر را داشت، حتی اگر به بهای زیر سؤال رفتن ده ها سال تحقیق و تفکرش بود. قشنگ ترین پیام کتاب وی،

^{۷۹} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما
^{۸۰} - ترجمه اسماعیل شرفی با مقدمه گری هابرماس استاد فلسفه سرشناس غربی

همین خصلتِ نداشتن تعصب روی یک نظر بوده است. او هرگز کورکورانه در نظرات خود پافشاری نکرد و متواضعانه به سمتی حرکت کرد که دلایل و نشانه‌ها راه را به او نشان دادند.

(وین اولت)^{۸۱} دانشمند شیمی می گوید: اعتقاد به وجود خدا در رفتار انسان نسبت به هم نوع خود تأثیر فوق العاده‌ای دارد. ایمان به خدا با هیچ یک از علوم بیگانه نیست. هیچ دانشمندی، پروتون و الکترون را ندیده است و فقط اثر آن‌ها را مشاهده کرده است و همه به بودنشان اعتراف می‌کنند چون درست است که پروتون و الکترون را ندیده‌اند ولی اثرش را دیده‌اند. پس نمی‌شود گفت چیزی را که نمی‌شود دید وجود ندارد. این سخنی بسیار ناپخته از کسی است که پا بر روی علم و منطق بگذارد.

(المر و مور ر)^{۸۲} دانشمند شیمی می گوید خدا دائماً مراقب دنیاست و در نتیجه این مراقبت است که قوانین طبیعی دائمی و ثابت هستند.

(پاول ارنست آدلف)^{۸۳} دانشمند و پزشک جراح از جنبه اخلاق خدا را توضیح می‌دهد و می‌گوید: هنگامی که محبت و عشق خدا در قلب انسان به وجود آید صفات غیر انسانی از قلب بیرون می‌روند و افسردگی به نشاط تبدیل می‌شود. امید یعنی عامل زندگی و بر تن و روح ما نیروی حیات می‌بخشد. اگر ما واقعاً به خدا ایمان قلبی داریم باید نسبت به مخلوقات خدا خوش بین باشیم و احساسات خصمانه را از خود دور کنیم و هرگاه صمیمیت واقعی را پیشه خود سازیم، صفات بد مجبور به ترک ما می‌شوند. اگر معالجات پزشکی با داروهای لازم و امید به یاری خدا

^{۸۱} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

^{۸۲} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

^{۸۳} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

توأم باشد در بهبود بیمار تأثیر به سزایی می گذارد و من هزاران بار این جریان را بر روی بیماران خود دیده ام.

(کاترین پاندر) در کتاب دولت عشق ترجمه گیتی خوشدل از معجزه های می گوید که تحت تأثیر عشق الهی به وقوع پیوسته و زندگی را متحول و سعادت‌مند ساخته است.

(سیسیل بویس هامان)^{۸۴} دانشمند می گوید: هرروز هزاران پرنده با طنین دل‌نشین و زیبایشان خدارا ستایش می کنند اما گوش بشر از درک و فهم آن ها عاجز است. هر قانون طبیعی که کشف می گردد با صدای بلند فریاد می زند خدا به وجود آورنده من و کاشف من است. کافی ست دقت کنید حتماً خواهید شنید.

(آندروکانوی آیوی)^{۸۵} عالم فیزیولوژی از بعد اخلاقی ماجرا می گوید: منشأ اصلی وظایف و حقوق بشری با ایمان به خدا آشکار می شوند، زیرا افراد بشر فقط در برابر عشق و رحمت او مساوی هستند. برای شخصی که به خدا ایمان قلبی دارد هیچ مصیبت مطلقاً در جهان وجود ندارد. وقتی مغز انسان در اثر تفکر و خرد ورزیده تر می شود حتماً به خدا ایمان خواهد آورد. جویندگان حق حتماً به حقیقت خدا خواهند رسید. متأسفانه وقتی اعتقاد به ارزش های درونی مثل وجدان، احترام به دیگران و انسانیت فرد از بین برود فساد و تباهی و بی رحمی و وحشی گری شایع می گردد و فرد جز به انجام دستور مافوق (مافوق زمینه خود مثل رئیس خودش، هرچند که این دستور از انسانیت به دور است) و فقط در فکر مصالح خود و مافوق خودش است که این

^{۸۴} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما
^{۸۵} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

رفتاری بسیار زشت و دور از انسانیت است. زیرا به خاطر دستور مافوق خود پا بر روی دستورات مافوق ماورای خود یعنی خدا می‌گذارد و رضایت مافوق زمینی بر مافوق ماورائی اش اهمیت و توجه بیشتری دارد. هرچند خیلی‌ها اصلاً مافوق ماورائی خود را گم کرده‌اند و در دستان مافوق زمینی خود مدت‌هاست که غرق شده‌اند و توجهی به رئیس اصلی و مهربان جهان، یعنی خدا (مافوق اصلی) ندارند.

(اولر)^{۸۶} ریاضیدان معروف می‌گوید: اگر کسی وجود خدا را نپذیرد، هر دلیلی که ارائه شود آن را توجیه کرده و باز حرف خود را خواهد زد. پس کسانی که دوست دارند حقیقت را کشف کنند باید بدون تعصب بی‌جا مطالعه کنند تا نتیجه درستی از این موضوع به دست آورند. درست شبیه این می‌ماند که کسی کلاً نپذیرد که انسان توانسته، پا روی ماه بگذارد. در این صورت هیچ فرقی نمی‌کند که درباره این موضوع چقدر اطلاعات و نشانه به او داده شود. متأسفانه اکثراً طرز فکر آن‌ها تغییر نخواهد کرد. ولی وظیفه یک انسان با خرد در برابر کسانی که خدا را باور ندارند این است که آن‌ها را دعوت به اندیشیدن در این مورد کند.

(ایمانوئل کانت) در مورد اعتقاد عارفان به عنوان بزرگ‌ترین خداپرستان طول تاریخ می‌گوید: تمام احکام اخلاقی عرفا مبتنی بر این پیش‌فرض است که کسی وجود دارد تا به امور اخلاقی حکم کند و هرگونه پرسشی درباره فهمیدن ماهیت اصلی و شناخت کامل این شخص بیرون از قلمرو آگاهی بشر و فراتر از قابلیت و توان عقل بشر می‌باشد، انسان تا حدی قدرت درک این خدای شگفت‌انگیز را دارد.

^{۸۶} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

برخی برای تأمین ثروت و قدرت آن به هرگونه پستی تن در می دهند و شخصیت و حقوقی برای هیچ کس قائل نمی شود. از نظر زیست شناسی دین به معنی بندگی انسان به نیرویی برتر از خود به خاطر حس احتیاج به آن نیروست و این چیزی جز رأفت و انسانیت نیست و کسانی که دین را تحریف کرده اند و از آن برای سرکوب انسان ها یاد می کنند، در دنیای بی خردی خود دست و پا می زنند و آن ها در نزد مردم بسیار خردشده و بی شخصیت به حساب می آیند و به خاطر این است که با اعمال و گفتار نادرستشان مردم را از دین روی گردان می کنند.

(توماس جفرسون)^{۸۷} دانشمند می گوید: کسانی که خدا را واقعاً دوست دارند با همه مخلوقات خدا مهربانند و هرگز به کسی ظلم نمی کنند و در واقع این تعبیر درست دین است. دانشمندان زیادی خدا باور بوده اند، در هر رشته و علوم دانشمندی که در هر زمینه تخصص دارد، مطمئناً آدم باهوشی است که در غیر رشته تخصصی خود از موارد دیگر آگاه است.

برخی از سرشناس های مباحث خداپرستی (نیکلاس کوپرنیک) (ارستد) دانشمند معروف فیزیک کتاب اثبات خداوند با ۲۰ برهان، (پیتر کریفت) عارف بزرگ، (محمود شبستری) در منظومه گلشن راز، (قیصری) شاعر و نویسنده بزرگ، (یوگاناندای معروف)، فیلسوف (اوشو)، (رنه دکارت)، (گوتفرید)، (ویلهم لایب)، (جان دانس اسکات)، (نورمن مالکوم)، (چارلز هارتشورن)، (فیلسوف هارتشون)، (مالکوم)، (مارکوس چاون) کیهان شناس فیزیک، (جان ویلیام کلاتس)، (دکتر محمد جمال الدین الفندی) فیلسوف بزرگ مصری و ... خیلی های دیگر می باشند.

^{۸۷} - اثبات وجود خداوند توسط ۴۰ دانشمند بزرگ نوشته مونسما

در مورد ثابت کردن وجود و حضور خدا برهان های زیادی در طول تاریخ به وجود آمده است که همه را توضیح و شرح دادن، بسیار طولانی می شود. بنابراین به صورت خیلی خلاصه چند برهان در چند کتاب را توضیح می دهیم.

به طور مثال، کتاب براهین اثبات خدا در فلسفه غرب برگرفته از دایره المعارف فلسفی کتاب وجود خداوند، برهان (سوئین برن) در باب اثبات خدا.

(ابوعلی سینا) در شرح یکی از برهان های اثبات خدا می گوید: خدا وجود دارد، چون غیر از این محال است و هر چیزی گواه می دهد که از علم، تدبیر پیشرفته ای به وجود آمده است.

برهان پنجم گانه (بر مبنای حرکت) که توسط ارسطو ابداع شد و پس از او (آگویانس و ملاصدرا) این برهان را بسط دادند.

براهین فطری در ذات و فطرت خودش به وجود خدا گواهی می دهد، توسط ذهن و تشکیل دهنده هویت انسان و درک کننده های حسی او (روح انسان) می توان به اثبات وجود خدا رسید.

برهان وجودی که اولین کسی که آن را در اثبات خداوند ابداع و استفاده کرد (ابوعلی سینا) بود.

(آنسلمی آلفرد ادوارد تیلور) فیلسوف بریتانیایی در کتاب آیا خدا هست؟ می گوید: تجربه ما از

داوری های اخلاقی نشان می دهد که این موارد تنها به این دلیل که از وجودی عظیم الشان صادر

شده اند اصالت و اعتبار دارند. از این رو ندای وجدان، گواهی واقع بر وجود خداوند است. در

واقع وجدان، سایه خداست در وجود تک تک انسان ها.

(هستینگر رشدال) نیز در کتاب نظریه خیر و شر، بیشتر در این مورد بحث کرده است.

برهان امکان فقری را نیز (ملاصدرا) در باب اثبات خدا توضیح داده است.

(تیلور) نظریه پردازان آنگلو کاتولیک مسیحی در کتاب حقایق دین، از برهان به نام برهان تجربه

دینی دفاع کرده و توضیح داده است.

برهان حرکت را باز هم (ارسطو) به وجود آورده است.

برهان صدیقین را (سهروردی) به وجود آورده و توضیح داده است.

برهان عشق و برهان علیت معروف را (افلاطون) به وجود آورده و توضیح داده است و (فردریک

کاپلستون) فیلسوف معاصر آن را بسط داده است.

همچنین (افلاطون) در مورد برهان معروف نظم در کتاب تیمائوس آن را شرح داده است. در

کتاب الهیات طبیعی اثر (ویلیام پیلی) نیز در مورد این برهان بیشتر توضیح داده است.

(خواجه نصیر الدین طوسی) در مورد برهان نظم می گوید: پیشرفت های اخیر در علم فیزیک

نشان داده است که اگر نیروی گرانش به میزان یک درجه در 10^{40} از میزان فعلی اش کمتر یا

بیشتر بود جهان نمی توانست حیات را در خود پروراند.

در مورد تئودیه «وجود شر در جهان» و تئوریه «پردازش روح» (جان هیک) برگرفته از نظریه

ایرنائوس می گوید: خداوند در جهان از وجود شر اهریمن کاملاً آگاه است، ولی خدا می خواهد

انسان ها را در رویارویی با آن ها و مبارزه و تلاش برای برطرف کردن آن ها و تفکیک خوب و

بد از یکدیگر به فضائل والای اخلاقی و انسانی آراسته کند. همانند مسیح مقدس. (جان هیک) در

ادامه می گوید: خدایی فراگیر و حاضر در همه جا که همان خدای فرگشت است (فرگشت یعنی

اینکه تمام موجودات با همه تنوعی که دارند از نیاکان مشترک پدیدار گشته اند) به مراتب از خدای کهنه الهیات که تنها گهگاهی اعمال معجزه آمیز انجام می دهند، پرشکوه تر است. نظریه خدای حفره ها دلالت بر این دارد که خدا برای پر کردن خلأ علمی بشر ساخته شده است (هنری درومند) در کتاب ظهور انسان

برهان حرکت ← ارسطو ابداع کننده آن

برهان صدیقین ← سهروردی

برهان عشق ← برهان علیت ← افلاطون فردریک کاپلتون (معاصر)

برهان نظم ← افلاطون در کتاب تیمائوس

کتاب ایالات طبیعی اثر ویلیام پیلی

خواجه نصیر طوسی

براهین وجودی نخستین کسی که از این برهان در اثبات خداوند استفاده ابداع کرد ابوعلی سینا بود.

برهان آنسلمی ← آلفرد ادوارد تیلور فیلسوف ایتالیایی در کتاب آیا خدا هست تجربه ما از داوری های اخلاقی نشان می دهد که این موارد تنها به این دلیل که از موجودی عظیم الشان صادر شده اند اصالت دارند از این رو ندای وجدان گواهی واقعی بر وجود خداوند است. هستینگر رشدال در کتاب نظریه خیر و شر

برهان امکان فقری ملاصدرا ویلیام آلستون تیلور از نظریه پردازان آنگلو کاتولیک مسیحی در کتاب حقانیت دین برهان تجربه دینی را دفاع کرد.

در حال حاضر فیلسوف ها به این نظر مشترک رسیده اند که معجزات قدیم خدا درست بوده و به وجود آمده اند ولی با احترام به آن معجزات قدیم باید گفت که خداوند نه فقط در هزاران سال پیش بلکه در جهان امروز هم معجزات شگفت انگیزی دارد و در تک تک لحظه های عالم حضور دارد. خدا نیازمند جهان نیست ولی جهان نیازمند خداست. یکی از برهان های اثبات خدا که خیلی با نتیجه گیری کلی از این کتاب هماهنگ است می توان به برهان طراحی هوشمند نوشته و بسط (ویلیام دمبسکی) و (جان جونز) و سپس تألیف کتاب امضاء در سلول (DNA) و شواهدی بر طراحی هوشمند توسط (استیون سی. مه یر) اشاره کرد و به صورت خلاصه برهان طراحی هوشمند همان حضور خدا در همه چیز عیان است، می باشد که خداوند همه چیز را طراحی کرد. چه ساخت خودش مثل انسان، چه ساخت توسط انسان با قدرت علم بی پایانش و هرگز انسان بدون علم و قدرت و اراده خدا توان به وجود آوردن هیچ تکنولوژی جدید را ندارد. (مایکل جی بهی) در کتاب جعبه سیاه داروین با مخالفت شدید در نظریه تکامل داروین آفرینش هوشمند را به عنوان جایگزین و نظر منطقی و درست تر بیان کرده است. یعنی تکامل را قبول دارد ولی به خواست و اراده و مدیریت خدا تکامل به وجود می آید نه خود به خود.

دانشمندان بزرگ و سرشناسی در مورد حضور خدا در همه چیز نظریه و کتاب و مقاله ارائه کرده اند که نام برخی از آن ها را به صورت خلاصه در کتاب آوردیم، چون اگر بخواهیم همه را نام

بیریم و نظرشان را شرح دهیم هزاران کتاب هم کم است. ولی ما به صورت خلاصه، گلچین بعضی از نظریات و اسم های آن ها را آوردیم. جز دانشمندان نامبرده در متن کتاب، دانشمندانی مثل: پاول دیراک- ریچارد سوئین برن- جان باردین- پائول دیویس- جان فستر، پیوند محکم قوانین عالم با عقل خدا را در آثار و نظریاتشان آورده اند.

محققین بسیاری از جمله برنادوود و لورینگ بریس و مطالعات مفصل دانشمندان آنتروپولوژی آمریکایی، اسمیت در سال ۱۹۹۴ و پروفیسور پروماج در سال ۱۹۹۲ پروفیسور آلان والگر در دانشگاه جان هابکینز و خیلی دانشمندان دیگر نیز این موارد را بحث کرده اند.

براساس نظریه تکامل داروین مواد به طور تصادفی به وجود آمدند و سپس با هم ترکیب شده و تصادفاً یک سلول زنده تشکیل دادند. این سلول در مرحله بعدی موجود زنده ای تشکیل دادند، به عبارت دیگر تکامل یافته اند. این نظریه عجیب می گوید همه جانداران از میکروب تا انسان از این موجود اولیه مشتق شده اند! طرفداران نظریه تکامل در جایی که علم می تواند حرف آن ها را تأیید کند از هر جعل عجیب و غریبی برای درست بودن نظرشان استفاده می کنند.

علم فسیل شناسی هزاران جاندار، میلیون ها سال پیش امروزی شبیه و امروزی را مقایسه کرده که هیچ تغییری از ۵۰ میلیون سال پیش تا الان نکرده است. مثلاً فسیل یک سمندر که ۱۲۵ میلیون سال عمر دارد با نمونه سمندر امروزی هیچ تفاوتی ندارد و هزاران مورد دیگر که در حوصله این کتاب نیست. تمام شواهد کالبد شناختی پالئونتولوژیکی و بیولوژیکی نشان می دهد هیچ قرابتی میان انسان و میمون وجود ندارد و تکامل گرایان نتوانسته اند دلیل قانع کننده ای ارائه دهند که

خویشاوندی این دو جاندار را ثابت کند. آرشیو فسیل ها به ما می گوید که در طول تاریخ انسان پیوسته انسان و میمون، میمون بوده است. بسیاری از فسیل هایی که داروینی ها معرفی کرده اند به عنوان انسان چیزی غیر از نژادهای منقرض شده انسان نیست که تا روزگاران بسیار نزدیکی حدود ۱۰,۰۰۰ سال قبل می زیسته اند و سپس از بین رفته اند و صفات کالبدی آن ها با انسان های کنونی منطبق است. مهم ترین تفاوت کالبدی انسان و میمون این است که انسان همیشه بر روی دو پا حرکت کرده. این ویژگی منحصرأ برای انسان است و هیچ جاندار دیگری این خاصیت را ندارد. معروف ترین دانشمندان علم کالبدشناسی انگلستان و آمریکا لوردسولی، زوکرمان انگلیسی و پروفیسور چارلز اوکسنارد آمریکایی بعد از اتمام پژوهش های زیادی که بر روی فسیل های بسیاری انجام دادند می گوید این فرضیه در علم جایی ندارد و میمون های آفریقای جنوبی که به قول داروین ها جد ما هستند به شیوه راه رفتن امروزی میمون ها زیسته اند نه روی دو پا که جد ما باشند. کتاب جامع و پرمحتوای امضاء سلول (استیون سی. مه یر) کاملاً در این مورد نوشته است که می توانید بخوانید. به گفته او علم و عقل و خرد نشان می دهد که فسیل ها آفریده شده اند نه تکامل یافته تصادفی!

خلاصه باید همه بدانند جهان نیازمند یک خداست. خدا نیازمند جهان نیست.

مایکل جی بهی در کتاب جعبه سیاه داروین با مخالفت شدید در نظریه تکامل داروین آفرینش هوشمند را به عنوان جایگزین نظر منطقی و درست تر بیان کرده است. در قرن ۲۰ دیتریش بونهوفر دانشمند درباره علم و اراده خداوند نوشت در زندان نازی ها نامه های بسیار نوشت.

به طور مثال می گوید: پیشرفت های اخیر و علم فیزیک نشان داده است که اگر نیروی گرانش به میزان یک در جمله در 10^{40} از میزان فعلی اش کمتر یا بیشتر بود جهان نمی توانست حیات را در خود پروراند.